

# کتاب اول تواریخ ایام

## از آدم تا ابراهیم

۱

آدم، شیث ائوش، ۲ قینان مهلائیل یارد، ۳ خنوخ متوشالحم لمک، ۴ نوح

سام حام یافت.

۵ پسران یافت: جومر و ماجوج و مادای و یوان و ثوبال و ماشک و تیراس. ۶ و پسران جومر: اشکناز و ریفات و ثجرمه. ۷ و پسران یوان: الیشنه و ترشیش و کتیم و دودانیم.

۸ و پسران حام: کوش و مصرایم و فوت و کنعان. ۹ و پسران کوش: سبا و حویله و سبتا و رعما و سبتکا. و پسران رعما: شبا و ددان. ۱۰ و کوش، نمرود را آورد، و او به جبار شدن در جهان شروع نمود.

۱۱ و مصرایم، لودیم و عنامیم و لهابیم و نفتوحیم را آورد، ۱۲ و فنروسیم و گسئوحیم را که فلستیم و کفتوریم از ایشان پدید آمدند.

۱۳ و کنعان نخستزاده خود، صیدون و حت را آورد، ۱۴ و یبوسی و اموری و جرجاشی، ۱۵ و حوی و عرقی و سینی، ۱۶ و اروادی و صماری و حماتی را.

۱۷ پسران سام: عیلام و آشور و ارفکشاد و لود و آرام و عوص و حول و جائر و ماشک.

۱۸ و ارفکشاد، شالح را آورد و شالح، عابر را آورد. ۱۹ و برای عابر، دو پسر متولد شدند که یکی را فالج نام بود زیرا در ایام وی زمین منقسم شد و اسم برادرش یفطان بود.

۲۰ و یفطان، الموداد و شالف و حضرموت و یارح را آورد؛ ۲۱ و هذورام و اوزال و دقله، ۲۲ و ایبال و ابیمایل و شبا، ۲۳ و اوفیر و حویله و یوباب را که جمیع اینها پسران یفطان بودند.

۲۴ سام، ارفکشاد سالح، ۲۵ عابر فالج رعو، ۲۶ سروج ناحور تارح، ۲۷ ابرام که همان ابراهیم باشد.

۲۸ پسران ابراهیم: اسحاق و اسماعیل. ۲۹ این است پیدایش ایشان: نخستزاده اسماعیل: نَبایوت و قیدار و ادبئیل و میسام، ۳۰ و میثماع و دومه و مسّا و حدّد و تیما، ۳۱ و یطور و نافیش و قدمه که اینان پسران اسماعیل بودند. ۳۲ و پسران قطور که متعه ابراهیم بود، پس او زمران و یقشان و مدان و مدیان و یثباق و شوخا را زاید و پسران یقشان: شبا و ددان بودند. ۳۳ و پسران مدیان عیقه و عیفر و خنوح و ابیداع و الدعه بودند. پس جمیع اینها پسران قطور بودند.

۳۴ و ابراهیم اسحاق را آورد؛ و پسران اسحاق عیسو و اسرائیل بودند. ۳۵ و پسران عیسو: الیفاز و رعوئیل و یعوش و یعلام و فورح. ۳۶ پسران الیفاز: تیمان و اومار و صفی و جعتام و قناز و تمناع و عمالیق. ۳۷ پسران رعوئیل: نحت و زارح و شمه و مزه.

۳۸ و پسران سعیر: لوطان و ثوبال و صبغون و عنه و دیشون و ایصر و دیشان. ۳۹ و پسران لوطان: حوری و هومام و خواهر لوطان تمناع. ۴۰ پسران ثوبال: علیان و مئاحت و عیبال و شفی و اونام و پسران صبغون: آیه و عنه. ۴۱ و پسران عنه: دیشون و پسران دیشون: حمران و اشبان و یثران و گران. ۴۲ پسران ایصر: بلهان و زعوان و یعقان و پسران دیشان: عوص و آران.

۴۳ و پادشاهانی که در زمین ادوم سلطنت نمودند، پیش از آنکه پادشاهی بر بنی اسرائیل سلطنت کند، اینانند: بالع بن بعور و اسم شهر او دنهاه بود. ۴۴ و بالع مرد و یوباب بن

زارح از بُصْرَه به جایش پادشاه شد. ۴۵ و یوباب مرد و حوشام از زمین تیمانی به جایش سلطنت نمود. ۴۶ و حوشام مُرد و هَدَد بن بَدَد که مَدیان را در زمین موآب شکست داد در جایش پادشاه شد و اسم شهرش عَویت بود. ۴۷ و هَدَد مُرد و سَمْلَه از مَسْرِیْقَه به جایش پادشاه شد. ۴۸ و سَمْلَه مُرد و شَاوُل از رَحُوبوت نهر به جایش پادشاه شد. ۴۹ و شَاوُل مُرد و بَعْل حانان بن عَكْبور به جایش پادشاه شد. ۵۰ و بَعْل حانان مُرد و هَدَد به جایش پادشاه شد؛ و اسم شهرش فاعی و اسم زنش مَهیْطَبئیل دختر مَطَرِد دختر مِیْذَهَب بود. ۵۱ و هَدَد مُرد و امیران اَدوم امیر تَمْناع و امیر اَلیه و امیر یَتیت بودند؛ ۵۲ و امیر اَهولیبامَه و امیر ایلَه و امیر فِیئون؛ ۵۳ و امیر قَناز و امیر تیمان و امیر مَبْصار؛ ۵۴ و امیر مَجْدِئیل و امیر عیرام؛ اینان امیران اَدوم بودند.

## پسران اسرائیل

۲

پسران اسرائیل اینانند: رُوبین و شَمعون و لاوی و یهودا و یساکار و زبولون ۲ و دان و یوسف و بنیامین و نَفْتالی و جاد و آشیر.  
 ۳ پسران یهودا: عیر و اُونان و شیلَه؛ این سه نفر از بَنَشووع گَنعانیه برای او زاییده شدند؛ و عیر نخست‌زاده یهودا به نظر خد/وند شیر بود؛ پس او را گُشت. ۴ و عروس وی تamar فارص و زارح را برای وی زایید، و همه پسران یهودا پنج نفر بودند.  
 ۵ و پسران فارص: حَصْرُون و حامل. ۶ و پسران زارح: زمری و ایتان و هیمان و گلگول و دارع که همگی ایشان پنج نفر بودند. ۷ و از پسران گرمی، عاکار مضطرب‌کننده اسرائیل بود که درباره چیز حرام خیانت ورزید. ۸ و پسر ایتان: عَزْرِیا بود.

۹ و پسران حَصْرُون که برای وی زاییده شدند، یَرْحَمئیل و رام و گلوبای. ۱۰ و رام عَمیناداب را آورد و عَمیناداب نَحْشُون را آورد که رئیس بنی‌یهودا بود. ۱۱ و نَحْشُون سلما را آورد و سلما بُوعَز را آورد. ۱۲ و بُوعَز عوبید را آورد و عوبید یسی را آورد. ۱۳ و یسی نخست‌زاده خویش اَلیاب را آورد، و دومین ابیناداب را، و سومین شِمعی را، ۱۴ و چهارمین نَنئیل را و پنجمین رَدای را، ۱۵ و ششمین اَوَصَم را و هفتمین داود را آورد. ۱۶ و خواهران ایشان صَرُویَه و ابیحایل بودند. و پسران صَرُویَه، اَبشای و یوآب و عَسائیل، سه نفر بودند. ۱۷ و ابیحایل عَماسا را زایید و پدر عَماسا یَئِر اِسْماعیلی بود.  
 ۱۸ و کالیب بن حَصْرُون از زن خود عَزُوبَه و از یریعوت اولاد به هم رسانید و پسران وی اینانند: یاشر و شوباب و اَرْدُون. ۱۹ و عَزُوبَه مُرد و کالیب افرات را به زنی گرفت و او حور را برای وی زایید. ۲۰ و حور، اوری را آورد و اوری بَصَلئیل را آورد.

۲۱ و بعد از آن، حَصْرُون به دختر ماکیر پدر جلعاد درآمده، او را به زنی گرفت حینی که شصت ساله بود و او سَجُوب را برای وی زایید. ۲۲ و سَجُوب یائیر را آورد و او بیست و سه شهر در زمین جلعاد داشت. ۲۳ و او جشور و آرام را که حووب یائیر باشد، با فئات و دهات آنها که شصت شهر بود، از ایشان گرفت و جمیع اینها از آن بنی‌ماکیر پدر جلعاد بودند. ۲۴ و بعد از آنکه حَصْرُون در کالیب افرات وفات یافت، آبیَه زن حَصْرُون اَشحور پدر تَفُوع را برای وی زایید.

۲۵ و پسران یَرْحَمَائِلِ نخست‌زاده حَصْرُونَ نخست‌زاده‌اش: رام و بُونَه و اُوزَن و اَوْصَمَ و آخیا بودند. ۲۶ و یَرْحَمَائِلِ را زن دیگر مسمّاه به عطاره بود که مادر اُونام باشد. ۲۷ و پسران رام نخست‌زاده یَرْحَمَائِلِ مَعْص و یامین و عاقر بودند. ۲۸ و پسران اُونام: شمّای و یاداع بودند، و پسران شمّای ناداب و ابیشور. ۲۹ و اسم زن ابیشور اییحایل بود و او احبان و مُولید را برای وی زایید. ۳۰ و پسران ناداب سَلَد و اَقایم بودند و سَلَد بی‌اولاد مُرد. ۳۱ و بنی‌اَقایم یَشعی و بنی‌یشعی شیشان و بنی‌شیشان اَحْلاّی. ۳۲ و پسران یاداع برادر شمّای یِئَر و یوناتان؛ و یِئَر بی‌اولاد مُرد. ۳۳ و پسران یوناتان: فالنت و زازا. اینها پسران یَرْحَمَائِلِ بودند. ۳۴ و شیشان را پسری نبود لیکن دختران داشت و شیشان را غلامی مصری بود که یَرْحاع نام داشت. ۳۵ و شیشان دختر خود را به غلام خویش یَرْحاع به زنی داد و او عتّای را برای وی زایید. ۳۶ و عتّای ناتان را آورد و ناتان زاباد را آورد. ۳۷ و زاباد اَفْلال را آورد و اَفْلال عوبید را آورد. ۳۸ و عوبید بیهو را آورد، و بیهو عَزْرَیَا را آورد. ۳۹ و عَزْرَیَا حَالص را آورد و حَالص اَلعاسه را آورد. ۴۰ و اَلعاسه سَسْمای را آورد و سَسْمای شَلُوم را آورد. ۴۱ و شَلُوم یَقْمِیَا را آورد و یَقْمِیَا اَلِیشَمَع را آورد.

۴۲ و بنی‌کالیب برادر یَرْحَمَائِلِ نخست‌زاده‌اش میشاع که پدر زیف باشد و بنی‌ماریشه که پدر حَبْرُونَ باشد بودند. ۴۳ و پسران حَبْرُونَ: فُورَح و تَفُوح و راقم و شامع. ۴۴ و شامع راحم پدر یَرْقَعام را آورد و راقم شمّای را آورد. ۴۵ و پسر شمّای ماعئون و ماعون پدر بیت‌صُور بود. ۴۶ و عیْفَه مُتعه کالیب حاران و موصا و جازیز را زایید و حاران جازیز را آورد. ۴۷ و پسران یَهْدای راجم و یوتام و جیشان و فالنت و عیْفَه و شاعف. ۴۸ و مَعْکَه مُتعه کالیب، شابر و تِرْحَنه را زایید. ۴۹ و او نیز شاعف، پدر مَدْمَه و شوا، پدر مَکبِینا و پدر جِبعَا را زایید؛ و دختر کالیب عَکسه بود. ۵۰ و پسران کالیب بن‌حُور نخست‌زاده افراته اینانند: شُوبال پدر قریه یعاریم، ۵۱ و سَلْمَا پدر بیت‌لحم و حاریف پدر بیت جادر. ۵۲ و پسران شُوبال پدر قریه یعاریم اینانند: هَرُواه و نصف مَثُوحُوت. ۵۳ و قبایل قریه یعاریم اینانند: یِئَریان و فُوتیان و شُوماتیان و مِشْراعیان که از ایشان صارُعائیان و اِشْطَولِیان پیدا شدند. ۵۴ و بنی‌سَلْمَا بیت‌لحم و نطوفاتیان و عَطْرُوت بیت‌یوآب و نصف مَانْحَتِیان و صُرْعِیان بودند. ۵۵ و قبایل کاتبانی که در یَعْبِیص ساکن بودند، تِرْعائیان و شِمْعائیان و سُوکائیان بودند. اینان قینیان‌اند که از حَمَّت پدر بیت ریکاب بیرون آمدند.

## پسران داود

۳

و پسران داود که برای او در حَبْرُونَ زاییده شدند، اینانند: نخست‌زاده‌اش اَمْنون از اَخِیئُوعِمْ یَزْرَعِیلِیه؛ و دومین دانیال از ایجایل گَرْمِلیه؛ ۲ و سومین ابشالوم پسر مَعْکَه دختر تَلْمای پادشاه جشور؛ و چهارمین اَدُونِیا پسر حَجّیت. ۳ و پنجمین شَفْطِیَا از ابیطال و ششمین یِئَرُعام از زن او عَجْله. ۴ این شش برای او در حَبْرُونَ زاییده شدند که در آنجا هفت سال و شش ماه سلطنت نمود و در اورشلیم سی و سه سال سلطنت کرد. ۵ و اینها برای وی در اورشلیم زاییده شدند: شِمعی و شوباب و ناتان و سُلیمان. این چهار از بَشُوع دختر عَمِیئیل بودند. ۶ و ییحار و الیشامع و اَلِیفالط. ۷ و نُوجَه و نافج و

یاقیع. ۸ و اَلِیْشَمَع و اَلِیَادَاع و اَلِیْفَلَط که نه نفر باشند. ۹ همه اینها پسران داود بودند  
سوی پسران مُتعه‌ها. و خواهر ایشان تamar بود.

## پادشاهان یهودا

۱۰ و پسر سُلیمان، رَحْبَعَام و پسر او ابیا و پسر او آسا و پسر او یهُوشافاط. ۱۱ و پسر  
او یورام و پسر او اَحْزَبیا و پسر او یوآش. ۱۲ و پسر او اَمَصْیا و پسر او عَزْرَبیا و پسر  
او یوتام. ۱۳ و پسر او اَحاز و پسر او حَزَقِیَا و پسر او مَنَسِی. ۱۴ و پسر او آمون و  
پسر او یوشیا. ۱۵ و پسران یوشیا نخست‌زاده‌اش یوحانان و دومین یهُویاقیم و سومین  
صِدْقِیا و چهارمین شَلُوم. ۱۶ و پسران یهُویاقیم پسر او یِگْنِیا و پسر او صِدْقِیا. ۱۷ و  
پسران یِگْنِیا اَشْتیر و پسر او شَالْتِیئیل. ۱۸ و مَکیرام و قَدایا و شَنَأَصَّر و یَقْمِیا و هوشاماع  
و نَدَبِیا. ۱۹ و پسران قَدایا زَرَبابیل و شَمعی و پسران زَرَبابیل مَشَلام و حَننِیا و خواهر  
ایشان شَلُومیت بود. ۲۰ و حَشُوبه و اوهل و بَرخِیا و حَسَدِیا و یوئشَب حَسَد که پنج نفر  
باشند. ۲۱ و پسران حَننِیا فَلَطِیا و اِشعِیا، بنی رفایا و بنی آرئان و بنی عوبَدِیا و بنی شِگْنِیا.  
۲۲ و پسر شِگْنِیا شَمعی و پسران شَمعی، حَطُوش و یَبحَال و باریح و نَعْرِیا و شافاط که  
شش باشند. ۲۳ و پسران نَعْرِیا اَلِیوعینای و حَزَقِیا و عَزْرِیقام که سه باشند. ۲۴ و  
بنی اَلِیوعینای هُودایا و اَلِیاشیب و فَلَیا و عَقُوب و یوحانان و دَلِیاع و عَنانی که هفت  
باشند.

## بقیه سبط یهودا

۴

بنی یهودا: فارص و حَصْرُون و کَرْمی و حور و شوبال. ۲ و رآیا ابن شوبال  
یحت را آورد و یحت اُخُمای و لاهد را آورد. اینانند قبایل صرعاتیان. ۳ و اینان  
پسران پدر عیطام‌اند: یزرعیل و یشما و یدباش و اسم خواهر ایشان هَصْلَفُونی بود. ۴ و  
فئوئیل پدر جدور و عازر پدر خُوشه اینها پسران حور نخست‌زاده افراته پدر بیت‌لحم  
بودند. ۵ و اَشحور پدر تَقوع دو زن داشت: حلا و نَعْره. ۶ و نَعْره، اَحْزَام و حافر و  
تیمانی و اَحْشَطاری را برای او زایید؛ اینان پسران نَعْره‌اند. ۷ و پسران حلا: صرَت و  
صُوحَر و اَثان. ۸ و فوس عانوب و صُوبِیه و قبایل اَحْرَحیل بن هارم را آورد.  
۹ و یعیص از برادران خود شریف‌تر بود و مادرش او را یعیص نام نهاد و گفت: «از  
این جهت که او را با حُزن زاییدم.» ۱۰ و یعیص از خدای اسرائیل استدعا نموده،  
گفت: «کاش که مرا برکت می‌دادی و حدود مرا وسیع می‌گردانیدی و دست تو با من  
می‌بود و مرا از بلا نگاه می‌داشتی تا محزون نشوم.» و خدا آنچه را که خواست به او  
بخشید.

۱۱ و کلوب برادر شُوحه مَحیر را که پدر اَشتون باشد آورد. ۱۲ و اَشتون بیت‌رافا و  
فاسیح و تَحته پدر عیر ناحاش را آورد. اینان اهل ریه‌می‌باشند. ۱۳ و پسران قَناز و  
عُننِیئیل و سَرایا بودند؛ و پسر عُننِیئیل حَنات. ۱۴ و مَعُوئوتای عَفْره را آورد و سَرایا،  
یوآب پدر جیحراشیم را آورد، زیرا که صنعتگر بودند. ۱۵ و پسران کالیب بن یَفنه،  
عیرو و ایله و ناعم بودند؛ و پسر ایله قَناز بود. ۱۶ و پسران یهَلنئیل، زیف و زیقه و  
تیریا و اَسرنئیل. ۱۷ و پسران عَزْره یئر و مَرَد و عافر و یالون (و زن مَرَد) مَریم و

شَمای و یَشْبَحَ پدر اَشْتَمُوع را زایید. ۱۸ و زن یهودیه او یارَد، پدر جَدُور، و جَابِر پدر سُوگُو و یَقوتیئیل پدر زانوح را زایید. اما آنان پسران بیثیه دختر فرعون که مَرَد او را به زنی گرفته بود می‌باشند. ۱۹ و پسران زن یهودیه او که خواهر نَحَم بود پدر قَعیلَه جَرَمی و اَشْتَمُوع مَعکاتی بودند. ۲۰ و پسران شیمون: اَمُنون و رَثَه و بَنحانان و تیلون و پسران یَشعی زُوحیت و بَنزُوحیت. ۲۱ و بنی‌شیلَه بن یهوذا، عیر پدر لیگه، و لَعَدَه پدر مَریشَه و قبایل خاندان عاملان کتان نازک از خانواده اَشْبیع بودند. ۲۲ و یوقیم و اهل گوزیبا و یوآش و ساراف که در موآب مَلک داشتند، و یثوبی‌لَحَم؛ و این وقایع قدیم است. ۲۳ و اینان کوزه‌گر بودند با ساکنان نتاعیم و جدیره که در آنجاها نزد پادشاه به جهت کار او سکونت داشتند.

## پسران شمعون

۲۴ پسران شَمعون: نَمُوئیل و یامین و یاریب و زارح و شاول. ۲۵ و پسرش شَلُوم و پسرش مِبَسام و پسرش مِشَماع. ۲۶ و بنی‌مِشَماع پسرش حموئیل و پسرش زَگُور و پسرش شِمعی. ۲۷ و شِمعی را شانزده پسر و شش دختر بود و لکن برادرانش را پسران بسیار نبود و همه قبایل ایشان مثل بنی‌یهودا زیاد نشدند. ۲۸ و ایشان در بَنرِشَبَع و مُولادَه و حَصَرَ شُوال، ۲۹ و در بَلَهه و عاصم و تولاد، ۳۰ و در بَنُوئیل و حُرْمَه و صِفْلَع، ۳۱ و در بیت مرگبوت و حَصَر سوسیم و بیت‌پرئی و شَعَرایم ساکن بودند. اینها شهرهای ایشان تا زمان سلطنت داود بود. ۳۲ و قریه‌های ایشان عیظام و عین و رمون و ثوگن و عاشان، یعنی پنج قریه بود، ۳۳ و جمیع قریه‌های ایشان که در پیرامون آن شهرها تا بَعْل بود. پس مسکنهای ایشان این است و نسب‌نامه‌های خود را داشتند. ۳۴ و مَشوبات و یملیک و یوشه بن اَمَصیا، ۳۵ و یوئیل و ییهو ابن یوشنیا ابن سَرایا ابن عَسِیئیل، ۳۶ و اَلیوعینای و یَعکوبَه و یشوحایا و عَسایا و عدیئیل و یسیمیئیل و بنایا، ۳۷ و زیزا ابن شِیعی ابن اَلون بن یدایا ابن شِمری ابن شَمعی، ۳۸ اینانی که اسم ایشان مذکور شد، در قبایل خود رؤسا بودند و خانه‌های آبای ایشان بسیار زیاد شد. ۳۹ و به مدخل جَدُور تا طرف شرقی وادی رفتند تا برای گله‌های خویش چراگاه بجویند. ۴۰ پس مرتعی برومند نیکو یافتند و آن زمین وسیع و آرام و ایمن بود، زیرا که آل حام در زمان قدیم در آنجا ساکن بودند. ۴۱ و اینانی که اسم ایشان مذکور شد، در ایام حزقیای پادشاه یهوذا آمدند و خیمه‌های ایشان و معونیان را که در آنجا یافت شدند، شکست دادند و ایشان را تا به امروز تباه ساخته، در جای ایشان ساکن شده‌اند زیرا که مرتع برای گله‌های ایشان در آنجا بود. ۴۲ و بعضی از ایشان، یعنی پانصد نفر از بنی‌شَمعون به کوه سَعیر رفتند؛ و قَلطیا و نَعریا و رَفایا و عُرِیئیل پسران یثیع رؤسای ایشان بودند. ۴۳ و بقیه عَمالقه را که فرار کرده بودند، شکست داده، تا امروز در آنجا ساکن شده‌اند.

## پسران روبین

۵

و پسران رُوبین نخست‌زاده اسرائیل اینانند: (زیرا که او نخست‌زاده بود و اما به سبب بی‌عصمت ساختن بستر پدر خویش، حق نخست‌زادگی او به پسران یوسف بن اسرائیل داده شد. از این جهت نسب‌نامه او بر حسب نخست‌زادگی ثبت نشده بود. ۲ زیرا

یهودا بر برادران خود برتری یافت و پادشاه از او بود؛ اما نخست‌زادگی از آن یوسف بود). ۳ پس پسران رؤبین نخست‌زاده اسرائیل: حَنُوك و قَلُو و حَصْرُون و کَرْمی. ۴ و پسران یوئیل: پسرش شَمَعِیَا و پسرش جوج و پسرش شِمْعِی؛ ۵ و پسرش میکا و پسرش رآیا و پسرش بَعْل؛ ۶ و پسرش بئیره که تَلَعَتْ فِلنَاسِر پادشاه آشور او را به اسیری بُرد و او رئیس رؤبیینان بود. ۷ و برادرانش برحسب قبایل ایشان وقتی که نسب‌نامه مولید ایشان ثبت گردید، مقدم ایشان یعیئیل بود و زکریا، ۸ و بَالع بن عَزاز بن شامع بن یوئیل که در عَرُوغیر تا نَبُو و بَعْل مَعُون ساکن بود، ۹ و به طرف مشرق تا مدخل بیابان از نهر فرات سکنا گرفت، زیرا که مواشی ایشان در زمین جلعاد زیاده شد. ۱۰ و در ایام شاول ایشان با حاجریان جنگ کردند و آنها به دست ایشان افتادند و در خیمه‌های آنها در تمامی اطراف شرقی جلعاد ساکن شدند.

### پسران جاد

۱۱ و بنی‌جاد در مقابل ایشان در زمین باشان تاسلَخه ساکن بودند. ۱۲ و مقدم ایشان یوئیل بود و دومین شافام و یَعْنای و شافاط در باشان (ساکن بود). ۱۳ و برادران ایشان برحسب خانه‌های آبای ایشان، میکائیل و مَثْلَام و شَبَع و یورای و یَعْکان و زیع و عَابِر که هفت نفر باشند. ۱۴ اینانند پسران آبیحایل بن حوری ابن یاروح بن جلعاد بن میکائیل بن یشیشای بن یَحْدُو ابن بوز. ۱۵ آخی ابن عَبْدِیئیل بن جونی رئیس خاندان آبای ایشان. ۱۶ و ایشان در جلعاد باشان و قریه‌هایش و در تمامی نواحی شارون تا حدود آنها ساکن بودند. ۱۷ و نسب‌نامه جمیع اینها در ایام یوتام پادشاه یهودا و در ایام یرُبعم پادشاه اسرائیل ثبت گردید.

۱۸ از بنی‌رؤبین و جادیان و نصف سبط مَنّسی شجاعان و مردانی که سپر و شمشیر برمی‌داشتند و تیراندازان و جنگ‌آزمودگان که به جنگ بیرون می‌رفتند، چهل و چهار هزار و هفت صد و شصت نفر بودند. ۱۹ و ایشان با حاجریان و یطور و نافیش و نوداب مقاتله نمودند. ۲۰ و بر ایشان نصرت یافتند و حاجریان و جمیع رفقای آنها به دست ایشان تسلیم شدند زیرا که در حین جنگ نزد خدا استغاثه نمودند و او ایشان را چونکه بر او توکل نمودند، اجابت فرمود. ۲۱ پس از مواشی ایشان، پنجاه هزار شتر و دویست و پنجاه هزار گوسفند و دو هزار الاغ و صد هزار مرد به تاراج بردند. ۲۲ زیرا چونکه جنگ از جانب خدا بود، بسیاری مقتول گردیدند. پس ایشان به جای آنها تا زمان اسیری ساکن شدند.

۲۳ و پسران نصف سبط مَنّسی در آن زمین ساکن شده، از باشان تا بَعْل حَرْمون و سَنیر و جَبَل حَرْمون زیاد شدند. ۲۴ و اینانند رؤسای خاندان آبای ایشان عَافِر و یشعی و آلئیل و عَزْرِیئیل و اِرْمیا و هُوْدُوْیا و یَحْدِیئیل که مردان تنومند شجاع و ناموران و رؤسای خاندان آبای ایشان بودند. ۲۵ اما به خدای پدران خود خیانت ورزیده، در پی خدایان قومهای آن زمین که خدا آنها را به حضور ایشان هلاک کرده بود، زنا کردند. ۲۶ پس خدای اسرائیل روح فُول پادشاه آشور و روح تَلَعَتْ فِلنَاسِر پادشاه آشور را برانگیخت که او رؤبیینان و جادیان و نصف سبط مَنّسی را اسیر کرده، ایشان را به حَلح و خابور و هارا و نَهْر جوزان تا امروز بُرد.

بنی لاوی: جرشون و قهات و مراری. ۲ و بنی قهات: عمّرام و یصنهار و حبرون و عزّیئیل. ۳ و بنی عمّرام: هارون و موسی و مریم. و بنی هارون: ناداب و ابیهو و الیعازار و ایتمار. ۴ و الیعازار فیئحاس را آورد و فیئحاس ابیشوع را آورد. ۵ و ابیشوع بقی را آورد و بقی عزّی را آورد. ۶ و عزّی زرخیا را آورد و زرخیا مرایوت را آورد. ۷ و مرایوت امریا را آورد و امریا اخیطوب را آورد. ۸ و اخیطوب صادوق را آورد و صادوق اخیمعص را آورد. ۹ و اخیمعص عزّریا را آورد و عزّریا یوحانان را آورد. ۱۰ و یوحانان عزّریا را آورد و او در خانه‌ای که سلیمان در اورشلیم بنا کرد، کاهن بود. ۱۱ و عزّریا امریا را آورد و امریا اخیطوب را آورد. ۱۲ و اخیطوب صادوق را آورد و صادوق شلوم را آورد. ۱۳ و شلوم حلقیا را آورد و حلقیا عزّریا را آورد. ۱۴ و عزّریا سرایا را آورد و سرایا یهوصاداق را آورد. ۱۵ و یهوصاداق به اسیری رفت هنگامی که خداوند یهودا و اورشلیم را به دست نبوگدنصر اسیر ساخت.

۱۶ پسران لاوی: جرشوم و قهات و مراری. ۱۷ و اینها است اسمهای پسران جرشوم: لبنی و شمعی. ۱۸ و پسران قهات: عمّرام و یصنهار و حبرون و عزّیئیل. ۱۹ و پسران مراری: محلی و موشی پس اینها قبایل لاویان برحسب اجداد ایشان است. ۲۰ از جرشوم پسرش لبنی، پسرش یحت، پسرش زمه. ۲۱ پسرش یواخ پسرش عدو پسرش زارح پسرش یائرای. ۲۲ پسران قهات، پسرش عمیناداب پسرش فورح پسرش آسیر. ۲۳ پسرش آلقانه پسرش ابیآساف پسرش آسیر. ۲۴ و پسرش تحت پسرش اورینیل پسرش عزّیا، پسرش شاول. ۲۵ و پسران آلقانه عماسای و اخیموت. ۲۶ و اما آلقانه پسران آلقانه پسرش صوفای پسرش تحت. ۲۷ پسرش آلیاب پسرش یروحام پسرش آلقانه. ۲۸ و پسران سموئیل نخست‌زاده‌اش و شنی و دوش آلیا. ۲۹ پسران مراری محلی و پسرش لبنی پسرش شمعی پسرش عزّه. ۳۰ پسرش شمعی پسرش هجیا پسرش عسایا.

### سرایندگان در هیکل

۳۱ و اینانند که داود ایشان را بر خدمت سرود در خانه خداوند تعیین نمود بعد از آنکه تابوت مستقر شد. ۳۲ و ایشان پیش مسکن خیمه اجتماع مشغول سراییدن می‌شدند تا حینی که سلیمان خانه خداوند را در اورشلیم بنا کرد. پس برحسب قانون خویش بر خدمت خود مواظب شدند. ۳۳ پس آنهایی که با پسران خود معین شدند، اینانند: از بنی قهاتیان همان مغنی این یوئیل بن سموئیل. ۳۴ بن آلقانه بن یروحام بن الینیل بن نوح، ۳۵ ابن صوف بن آلقانه بن مهت بن عماسای، ۳۶ ابن آلقانه بن یوئیل بن عزّریاء بن صفّیا، ۳۷ ابن تحت بن آسیر بن ابیآساف بن فورح، ۳۸ ابن یصنهار بن قهات بن لاوی بن اسرائیل. ۳۹ و برادرش آساف که به دست راست وی می‌ایستاد. آساف بن برگیا ابن شمعی، ۴۰ ابن میکائیل بن بعسیا ابن ملکیا، ۴۱ ابن آثنی ابن زارح بن عدایا، ۴۲ ابن ایتنان بن زمه بن شمعی، ۴۳ ابن یحت بن جرشوم بن لاوی. ۴۴ و به طرف چپ برادران ایشان که پسران مراری بودند: ایتنان بن قیشی ابن عبّدی ابن ملوک، ۴۵ ابن حبیبیا ابن امصیا ابن حلقیا، ۴۶ ابن امصی ابن بانی ابن شامر، ۴۷ ابن محلی ابن



موشی ابن مَراری ابن لاوی. ۴۸ و لاویانی که برادران ایشان بودند، به تمامی خدمت مسکن خانه خدا گماشته شدند.

۴۹ و اما هارون و پسرانش بر مذبح قربانی سوختنی و بر مذبح بخور به جهت تمامی عمل قدس الاقداس قربانی می‌گذرانیدند تا به جهت اسرائیل موافق هر آنچه موسی بنده خدا امر فرموده بود، کفاره نمایند. ۵۰ و اینانند پسران هارون: پسرش العازار، پسرش فیئحاس، پسرش آیشثوع. ۵۱ پسرش بُقی، پسرش عَزّی، پسرش زَرَحیا، ۵۲ پسرش مَرایوت پسرش اَمْرِیا پسرش اخیطوب، ۵۳ پسرش صادق، پسرش اخیمَعص.

۵۴ و مسکن‌های ایشان برحسب موضع‌ها و حدود ایشان اینها است: از پسران هارون به جهت قبایل قَهاتیان زیرا قرعه اول از آن ایشان بود. ۵۵ پس حَبْرُون در زمین یهودا با حوالی آن به هر طرفش به ایشان داده شد. ۵۶ و اما زمینهای آن شهر و دهاتش را به کالیب بن یُفنه دادند. ۵۷ به پسران هارون به جهت شهرهای ملجا حَبْرُون و لِبْنَه و حوالی آن، و یئیر و اَشْتَموع و حوالی آن را دادند. ۵۸ و حیلین و حوالی آن را و دبیر و حوالی آن را، ۵۹ و عاشان و حوالی آن را و بیت شمس و حوالی آن را، ۶۰ و از سبط بنیامین جَبَع و حوالی آن را و عَلمَت و حوالی آن را و عَناتوت و حوالی آن را. پس جمیع شهرهای ایشان برحسب قبایل ایشان سیزده شهر بود.

۶۱ و به پسران قَهات که از قبایل آن سبط باقی ماندند، ده شهر از نصف سبط یعنی از نصف مَنسی به قرعه داده شد. ۶۲ و به بنی جَرشوم برحسب قبایل ایشان از سبط یساکار و از سبط آشیر و از سبط نَفتالی و از سبط مَنسی در باشان سیزده شهر. ۶۳ و به پسران مَراری برحسب قبایل ایشان از سبط رُوبین و از سبط جاد و از سبط زبولون دوازده شهر به قرعه داده شد. ۶۴ پس بنی اسرائیل این شهرها را با حوالی آنها به لاویان دادند. ۶۵ و از سبط بنی یهودا و از سبط بنی شَمعون و از سبط بنی بنیامین این شهرها را که اسم آنها مذکور است به قرعه دادند.

۶۶ و بعضی از قبایل بنی قَهات شهرهای حدود خود را از سبط افرایم داشتند. ۶۷ پس شکیم را با حوالی آن در کوهستان افرایم و جازر را با حوالی آن به جهت شهرهای ملجا به ایشان دادند. ۶۸ و یفَمعام را با حوالی آن و بیت حُورُون را با حوالی آن. ۶۹ و ایلون را با حوالی آن و جَت رَمُون را با حوالی آن. ۷۰ و از نصف سبط مَنسی، عانیر را با حوالی آن، و بلعام را با حوالی آن، به قبایل باقی مانده بنی قَهات دادند.

۷۱ و به پسران جَرشوم از قبایل نصف سبط مَنسی، جُولان را در باشان با حوالی آن و عَشْتاروت را با حوالی آن. ۷۲ و از سبط یساکار قَادِش را با حوالی آن و دَبْرَه را با حوالی آن. ۷۳ و راموت را با حوالی آن و عانیم را با حوالی آن. ۷۴ و از سبط آشیر مَسْأَل را با حوالی آن و عَبْدُون را با حوالی آن. ۷۵ و حُفُوق را با حوالی آن و رَحُوب را با حوالی آن. ۷۶ و از سبط نَفتالی قَادِش را در جَلیل با حوالی آن و حَمّون را با حوالی آن و قَریتایم را با حوالی آن. ۷۷ و به پسران مَراری که از لاویان باقی مانده بودند، از سبط زبولون رَمُون را با حوالی آن و تابور را با حوالی آن. ۷۸ و از آن طرف اَرْدُن در برابر اریحا به جانب شرقی اَرْدُن از سبط رُوبین، باصِر را در بیابان با حوالی آن و یهصَه را با حوالی آن. ۷۹ و قدیموت را با حوالی آن و مِیْفَعَه را با حوالی آن. ۸۰ و از سبط جاد راموت را در جلعاد با حوالی آن و مَحْنایم را با حوالی آن. ۸۱ و حَشْبُون را با حوالی آن و یعزیر را با حوالی آن.

## پسران یساکار

۷

و اما پسران یساکار: تولاع و فوه و یاشوب و شیمزون چهار نفر بودند. ۲ و پسران تولاع: عززی و رفایا و یربیئیل و یحمای و ییسام و سموئیل؛ ایشان رؤسای خاندان پدر خود تولاع و مردان قوی شجاع در انساب خود بودند، و عدد ایشان در ایام داود بیست و دو هزار و ششصد بود. ۳ و پسر عززی، یزرخیا و پسران یزرخیا، میکائیل و عوبدیا و یوئیل و یشیا که پنج نفر و جمیع آنها رؤسا بودند. ۴ و با ایشان برحسب انساب ایشان و خاندان آباي ایشان، فوجهای لشکر جنگی سی و شش هزار نفر بودند، زیرا که زنان و پسران بسیار داشتند. ۵ و برادران ایشان از جمیع قبایل یساکار مردان قوی شجاع هشتاد و هفت هزار نفر جمیعاً در نسبنامه ثبت شدند.

## پسران بنیامین

۶ و پسران بنیامین: بالع و باگر و یدیعئیل، سه نفر بودند. ۷ و پسران بالع: اصنبون و عززی و عزئییل و یریموت و عیری، پنج نفر رؤسای خاندان آبا و مردان قوی شجاع که بیست و دو هزار و سی و چهار نفر از ایشان در نسبنامه ثبت گردیدند. ۸ و پسران باگر: زمیره و یوعاش و الیعازار و الیوعینای و عمری و یریموت و ابیا و عنائوت و علامت. جمیع اینها پسران باگر بودند. ۹ و بیست هزار و دویست نفر از ایشان برحسب انساب ایشان، رؤسای خاندان آباي ایشان مردان قوی شجاع در نسبنامه ثبت شدند. ۱۰ و پسر یدیعئیل: بلهان و پسران بلهان: یعیش و بنیامین و ایهود و کنعنه و زیتان و ترشیش و آخیشاحر. ۱۱ جمیع اینها پسران یدیعئیل برحسب رؤسای آبا و مردان جنگی شجاع هفده هزار و دویست نفر بودند که در لشکر برای جنگ بیرون می‌رفتند. ۱۲ و پسران عیر: شقیم و حقیم و پسر آحیر خوشیم.

## پسران نفتالی

۱۳ و پسران نفتالی: یحصیئیل و جوئی و یصر و سلوم از پسران بلهه بودند.

## پسران منسی

۱۴ پسران منسی آسریئیل که زوجه‌اش او را زایید، و ماکیر پدر جلعاد که متعه آرامیه وی او را زایید. ۱۵ و ماکیر خواهر حقیم و شقیم را که به معگه مسماه بود، به زنی گرفت؛ و اسم پسر دوم او صلفحاد بود؛ و صلفحاد دختران داشت. ۱۶ و معگه زن ماکیر پسری زاییده، او را فارش نام نهاد و اسم برادرش شارش بود و پسرانش، اولام و راقم بودند. ۱۷ و پسر اولام بدان بود. اینانند پسران جلعاد بن ماکیر بن منسی. ۱۸ و خواهر او همولگه ایشهود و ابیعزر و محلّه را زایید. ۱۹ و پسران شمیداع آخیان و شکیم و لقی و انیعام.

## پسران افرایم

۲۰ و پسران افرایم شوتالچ و پسرش بارد و پسرش تحت و پسرش العدادا و پسرش تحت. ۲۱ و پسرش زاباد و پسرش شوتالچ و عازر و العداد که مردان جتّ که در آن زمین

مولود شدند، ایشان را کشتند زیرا که برای گرفتن مواسی ایشان فرود آمده بودند. ۲۲ و پدر ایشان افرایم به جهت ایشان روزهای بسیار ماتم گرفت و برادرانش برای تعزیت وی آمدند. ۲۳ پس نزد زن خود درآمد و او حامله شده، پسری زایید و او را بَرِیعَه نام نهاد، از این جهت که در خاندان او بلایی عارض شده بود. ۲۴ و دخترش شیریه بود که بیت حورون پایین و بالا را و اَزین شیریه را بنا کرد. ۲۵ و پسرش رَافِح و راشف، و پسرش تالِح، و پسرش تاحن، ۲۶ و پسرش لَعَدان، و پسرش عَمیهود، و پسرش اَلِیشمَع، ۲۷ و پسرش نون، و پسرش یهوشوع، ۲۸ و املاک و مسکن‌های ایشان بیت‌ئیل و دهات آن بود و به طرف مشرق نَعْران و به طرف مغرب جازر و دهات آن و شکیم و دهات آن تا عَزَه و دهات آن. ۲۹ و نزد حدود بنی‌منسی بیت‌شان و دهات آن و تَعْناک و دهات آن و مَجْدو و دهات آن و دُور و دهات آن که در اینها پسران یوسف بن‌اسرائیل ساکن بودند.

## پسران اشیر

۳۰ پسران اشیر، یمنه و یشوه و یشوی و بریعه بودند، و خواهر ایشان سارح بود. ۳۱ و پسران بریعه، حابر و مکئییل که همان پدر پرزوات باشد. ۳۲ و حابر، یقلیط و شومیر و حوتام و خواهر ایشان شوعا را آورد. ۳۳ و پسران یقلیط فاسک و بمهال و عشتوت بودند. اینانند بنی یقلیط. ۳۴ و پسران شامراخی و رهجه و یحبه و آرام. ۳۵ و پسران هیلام برادر وی صوفح و یمناع و شالش و اعمال بودند. ۳۶ و پسران صوفح، سوح و حرنفر و شوعال و پیری و یمزه. ۳۷ و باصر و هود و شما و شلشه و یثران و بییرا. ۳۸ و پسران یئر، یفته و فسفا و آرا. ۳۹ و پسران علا، آرح و حنیئیل و رصیا. ۴۰ جمیع اینها پسران اشیر و رؤسای خاندان آبای ایشان و برگزیدگان مردان جنگی و رؤسای سرداران بودند. و شماره ایشان که در لشکر برای جنگ برحسب نسب‌نامه ثبت گردید، بیست و شش هزار نفر بود.

## نسب‌نامه شاول

۸ و بنیامین نخست‌زاده خود بآلع را آورد و دومین اشبیل و سومش آخرخ، ۲ و چهارم نُوحَه و پنجم را فارا. ۳ و پسران بآلع: آدار و جیرا و آبیهود. ۴ و آبیشوع و نُعمان و آخوخ. ۵ و جیرا و شفوفان و حورام بودند. ۶ و اینانند پسران آخود که رؤسای خاندان آبای ساکنان جبَع بودند و ایشان را به مناحت کوچانیدند. ۷ و او نُعمان و آخیا و جیرا را کوچانید و او عَزّا و آخیحود را تولید نمود. ۸ و شَحْرَایم در بلاد موآب بعد از طلاق دادن زنان خود حوشیم و بَعْرَا فرزندان تولید نمود. ۹ پس از زن خویش که خُوداش نام داشت یوباب و ظبیا و میشا و مَلْکام را آورد. ۱۰ و یَعُوص و شکیا و مرّمه را که اینها پسران او و رؤسای خاندانهای آبا بودند. ۱۱ و از حوشیم ابیطوب و اَلْفَعْل را آورد. ۱۲ و پسران اَلْفَعْل عابر و مشعام و شامر که اوئو و لُود و دهاتش را بنا نهاد بودند. ۱۳ و بریعه و شامع که ایشان رؤسای خاندان آبای ساکنان آیون بودند و ایشان ساکنان جَت را اخراج نمودند. ۱۴ و آخيو و شاشق و یریموت. ۱۵ و زبَدیا و عارد و عادر. ۱۶ و میکائیل و یشفه و یوْخا پسران بریعه بودند. ۱۷ و زبَدیا و مَشْلام و جزقی و حابر، ۱۸ و یشمرای و یزلیاه و یوباب پسران اَلْفَعْل بودند. ۱۹ و یعقیم و

زگری و زبَدی، ۲۰ و الیعینای و صِلَتای و ایلئیل، ۲۱ و آدایا و بریا و شِمَرَت پسران شیمعی، ۲۲ و یشقان و عابَر و ایلئیل. ۲۳ و عَبْدون و زگری و حانان، ۲۴ و حَنَییا و عیلام و عَنُوتییا، ۲۵ و یَفْدَیا و فَنُوتیل پسران شاشق بودند. ۲۶ و شِمَشَرای و شَحَرِیا و عَنَلِیا. ۲۷ و یَعْرَشِیا و ایلِیا و زگری پسران یَرُحام بودند. ۲۸ اینان رؤسای خاندان آبا برحسب انساب خود و سرداران بودند و ایشان در اورشلیم سکونت داشتند.

۲۹ و در جِبْعون پدر جِبْعون سکونت داشت و اسم زنش مَعْگه بود. ۳۰ و نخست‌زاده‌اش عَبْدون بود، پس صور و قیس و بَعْل و ناداب، ۳۱ و جَدور و آخِیو و زاگر؛ ۳۲ و مَقْلوت شِمَاه را آورد و ایشان نیز با برادران خود در اورشلیم در مقابل برادران ایشان ساکن بودند. ۳۳ و نیر قیس را آورد و قیس شاول را آورد و شاول یهوناتان و مَلْکیشوع و ابیناداب و اشْبَعْل را آورد. ۳۴ و پسر یهوناتان مَرِیب بَعْل بود و مَرِیب بَعْل میکا را آورد. ۳۵ و پسران میکا، فیتون و مَالْک و تاربع و آحاز بودند. ۳۶ و آحاز یهوعده را آورد، یهوعده علمت و عَزْموت و زمری را آورد و زمری موصا را آورد. ۳۷ و موصا بنعا را آورد و پسرش رافه بود و پسرش الْعاسه و پسرش اصیل بود. ۳۸ و اصیل را شش پسر بود و نامهای ایشان اینها است: عَزْرِیقام و بُکْرُو و اِسْمَعِیل و شَعْرِیا و عُوْبَدِیا و حانان. و جمیع اینها پسران اصیل‌اند. ۳۹ و پسران عیشق برادر او نخست‌زاده‌اش اولام و دومین یَعُوش و سومین اَلِیْقَلَط. ۴۰ و پسران اولام، مردان زورآور شجاع و تیرانداز بودند؛ و پسران و پسران پسران ایشان بسیار یعنی صد و پنجاه نفر بودند. جمیع اینها از بنی‌بنیامین می‌باشند.

## ساکنان اورشلیم

۹

و تمامی اسرائیل برحسب نسب‌نامه‌های خود شمرده شدند، و اینک در کتاب پادشاهان اسرائیل مکتوب‌اند و یهودا به سبب خیانت خود به بابل به اسیری رفتند. ۲ و کسانی که اول در مَلْکها و شهرهای ایشان سکونت داشتند، اسرائیلیان و کاهنان و لاویان و نَتینیم بودند.

۳ و در اورشلیم بعضی از بنی‌یهودا و از بنی‌بنیامین و از بنی‌افرایم و مَنَسِی ساکن بودند. ۴ عوتای ابن عمیهود بن عُمَری ابن اِمْری ابن بانی از بنی‌فارص بن یهودا. ۵ و از شیلونیان نخست‌زاده‌اش عسایا و پسران او. ۶ و از بنی‌زارح یَعُوئیل و برادران ایشان ششصد و نود نفر. ۷ و از بنی‌بنیامین سلُو ابن مَشْلَم بن هُوْدُویا ابن هَسُوْآه. ۸ و یَبْنِیا ابن یَرُوْحام و ایلَه بن عَزْی ابن مِگْری و مَشْلَم بن شَقَطْیا بن رَاوئیل بن یَبْنِیا. ۹ و برادران ایشان برحسب انساب ایشان نه صد و پنجاه و شش نفر. جمیع اینها رؤسای اجداد برحسب خاندانهای آبا‌ی ایشان بودند.

۱۰ و از کاهنان، یَدَعِیا و یهویاریب و یاکین، ۱۱ و عَزْرِیا ابن حَلْقِیا ابن مَشْلَم بن صادوق بن مَرایوت بن اخیطوب رئیس خانه خدا، ۱۲ و عَدایا ابن یَرُوْحام بن فَشْحور بن مَلْکیا و مَعَسای ابن عدیئیل بن یحزیره بن مَشْلَم بن مَشْلیمیت بن اِمیر. ۱۳ و برادران ایشان که رؤسای خاندان آبا‌ی ایشان بودند، هزار و هفتصد و شصت نفر که مردان رشید به جهت عمل خدمت خانه خدا بودند.

۱۴ و از لایوان شَمْعِیَا ابن حَشُوب بن عَزْرِیْقَام بن حَشْبِیَا از بنی مَراری. ۱۵ و بَقْبَقْر و حَارَش و جَلال و مَثْنِیَا ابن میکا ابن زِکْرِی ابن آساف. ۱۶ و عُوبَدِیَا ابن شَمْعِیَا ابن جَلال و بن یُدُوْثُون و بَرْخِیَا ابن آسا ابن اَلْقَانَه که در دهات نُطُوْفَاتِیَان ساکن بود.

۱۷ و در بانان، شَلُوم و عَقُوب و طَلْمُون و اَحِیْمَان و برادران ایشان. و شَلُوم رئیس بود.

۱۸ و ایشان تا الان بر دروازه شرقی پادشاه (می باشند) و دربانان فرقه بنی لاوی بودند.

۱۹ و شَلُوم بن قُورِی ابن اَبِیْآساف بن قُورَح و برادرانش از خاندان پدرش یعنی از بنی قُورَح که ناظران عمل خدمت و مستحفظان دروازه های خیمه بودند و پدران ایشان ناظران اَرْدوی خد/وند و مستحفظان مدخل آن بودند. ۲۰ و فِیْنَحاس بن اَلْعازار، سابق رئیس ایشان بود. و خد/وند با وی می بود. ۲۱ و زکریا ابن مَشَلْمِیَا دربان دروازه خیمه اجتماع بود. ۲۲ و جمیع اینانی که برای دربانی دروازه ها منتخب شدند، دوپست و دوازده نفر بودند و ایشان در دهات خود بر حسب نسب نامه های خود شمرده شدند که داود و سموئیل رائی ایشان را بر وظیفه های ایشان گماشته بودند. ۲۳ پس ایشان و پسران ایشان بر دروازه های خانه خد/وند و خانه خیمه برای نگاهبانی آن گماشته شدند. ۲۴ و دربانان به هر چهار طرف یعنی به مشرق و مغرب و شمال و جنوب بودند. ۲۵ و برادران ایشان که در دهات خود بودند، هر هفت روز نوبت به نوبت با ایشان می آمدند. ۲۶ زیرا چهار رئیس دربانان که لایوان بودند، منصب خاص داشتند و ناظران حجره ها و خزانه های خانه خدا بودند. ۲۷ و به اطراف خانه خدا منزل داشتند زیرا که نگاهبانیش بر ایشان بود، و باز کردن آن هر صبح بر ایشان بود.

۲۸ و بعضی از ایشان بر آلات خدمت مأمور بودند، چونکه آنها را به شماره می آوردند و به شماره بیرون می بردند. ۲۹ از ایشان بر اسباب و جمیع آلات قدس و اَرْد نِرم و شراب و روغن و بخور و عطریات مأمور بودند. ۳۰ و بعضی از پسران کاهنان، عطریات خوشبو را ترکیب می کردند. ۳۱ و مَثْنِیَا که از جمله لایوان و نخست زاده شَلُوم قُورَحی بود، بر عمل مطبوخات گماشته شده بود. ۳۲ و بعضی از برادران ایشان از پسران قَهَاتِیَان، بر نان تَقْدِمه مأمور بودند تا آن را در هر روز سبت مهیا سازند.

۳۳ و مغنیان از رؤسای خاندان آبای لایوان در حجره ها سکونت داشتند و از کار دیگر فارغ بودند زیرا که روز و شب در کار خود مشغول می بودند. ۳۴ اینان رؤسای خاندان آبای لایوان و بر حسب انساب خود رئیس بودند و در اورشلیم سکونت داشتند.

۳۵ و در جِبْعُون، پدر جِبْعُون، یَعُوْئِیل سکونت داشت و اسم زانش مَعْکَه بود. ۳۶ و نخست زاده اش عَبْدُون بود، پس صور و قَیس و بَعْل و نِیر و ناداب، ۳۷ و جَدُوْر و اَخِیُو و زکریا و مَقْلُوْت؛ ۳۸ و مَقْلُوْت شِمْآم را آورد و ایشان نیز با برادران خود در اورشلیم در مقابل برادران ایشان ساکن بودند. ۳۹ و نِیر قَیس را آورد و قَیس شَاوُل را آورد و شَاوُل یَهُوْناتان و مَلْکِیشوع و ابیناداب و اَشْبَعْل را آورد. ۴۰ و پسر یَهُوْناتان، مَرِیْب بَعْل بود و مَرِیْب بَعْل میکا را آورد. ۴۱ و پسر میکا، فِیتون و مَالْک و تَحْرِیْع و آحاز بودند. ۴۲ و آحاز یَعْرَه را آورد و یَعْرَه عِلْمَت و عَزْمُوْت و زَمْرِی را آورد و زَمْرِی موصا را آورد. ۴۳ و موصا بِنِعا را آورد و پسرش رَفایا و پسرش اَلْعاسَه و پسرش اَصِیْل. ۴۴ و اَصِیْل را شش پسر بود و این است نامهای ایشان: عَزْرِیْقَام و بُکْرُو و اَسْمَعِیْل و شَعْرِیَا و عُوبَدِیَا و حانان اینها پسران اَصِیْل می باشند.

## خودکشی شاول

۱۰ و فلسطینیان با اسرائیل جنگ کردند، و مردان اسرائیل از حضور فلسطینیان فرار کردند و در کوه جَلْبُوع کشته شده، افتادند. ۲ و فلسطینیان شاول و پسرانش را به سختی تعاقب نمودند، و فلسطینیان پسران شاول یوناتان و ابیناداب و مَلْکیشوع را کشتند. ۳ و جنگ بر شاول سخت شد و تیراندازان او را دریافتند و از تیراندازان مجروح شد. ۴ و شاول به سلاحدار خود گفت: «شمشیر را بکش و به من فرو بر، مبادا این نامختونان بیایند و مرا اقتضاح کنند.» اما سلاحدارش نخواست زیرا که بسیار می ترسید؛ پس شاول شمشیر را گرفته بر آن افتاد. ۵ و سلاحدارش چون شاول را مرده دید، او نیز بر شمشیر افتاده، بمُرد. ۶ و شاول مُرد و سه پسرش و تمامی اهل خانه اش همراه وی مردند. ۷ و چون جمیع مردان اسرائیل که در وادی بودند، این را دیدند که لشکر منهزم شده، و شاول و پسرانش مرده اند، ایشان نیز شهرهای خود را ترک کرده، گریختند و فلسطینیان آمده، در آنها قرار گرفتند.

۸ و روز دیگر واقع شد که چون فلسطینیان آمدند تا کشتگان را برهنه نمایند، شاول و پسرانش را در کوه جَلْبُوع افتاده یافتند. ۹ پس او را برهنه ساخته، سر و اسلحه اش را گرفتند و آنها را به زمین فلسطینیان به هر طرف فرستادند تا به بتها و قوم خود مژده برسانند. ۱۰ و اسلحه اش را در خانه خدایان خود گذاشتند و سرش را در خانه داجون به دیوار کوبیدند. ۱۱ و چون تمامی اهل یابیش جلعاد آنچه را که فلسطینیان به شاول کرده بودند شنیدند، ۱۲ جمیع شجاعان برخاسته، جسد شاول و جسدهای پسرانش را برداشته، آنها را به یابیش آورده، استخوانهای ایشان را زیر درخت بلوط که در یابیش است، دفن کردند و هفت روز روزه داشتند.

۱۳ پس شاول به سبب خیانتی که به خد/وند ورزیده بود مُرد، به جهت کلام خد/وند که آن را نگاه نداشته بود، و از این جهت نیز که از صاحبه اجنه سؤال نموده بود. ۱۴ و چونکه خد/وند را نطلبیده بود، او را گشت و سلطنت او را به داود بن یسی برگردانید.

## داود، پادشاه اسرائیل

۱۱ و تمامی اسرائیل نزد داود در حَبْرُون جمع شده، گفتند: «اینک ما استخوانها و گوشت تو می باشیم. ۲ و قبل از این نیز هنگامی که شاول پادشاه می بود، تو اسرائیل را بیرون می بردی و درون می آوردی؛ و یهوه خدایت تو را گفت که: تو قوم من اسرائیل را شبانی خواهی نمود و تو بر قوم من اسرائیل پیشوا خواهی شد.» ۳ و جمیع مشایخ اسرائیل نزد پادشاه به حَبْرُون آمدند و داود با ایشان به حضور خد/وند در حَبْرُون عهد بست، و داود را برحسب کلامی که خد/وند به واسطه سموئیل گفته بود به پادشاهی اسرائیل مسح نمودند.

۴ و داود و تمامی اسرائیل به اورشلیم که بیوس باشد، آمدند و بیوسیان در آن زمین ساکن بودند. ۵ و اهل بیوس به داود گفتند: «به اینجا داخل نخواهی شد.» اما داود قلعه صهیون را که شهر داود باشد بگرفت. ۶ و داود گفت: «هر که بیوسیان را اول مغلوب

سازد، رئیس و سردار خواهد شد.» پس یوآب بن صرّویه اول بر آمد و رئیس شد. ۷ و داود در آن قلعه ساکن شد، از آن جهت آن را شهر داود نامیدند. ۸ و شهر را به اطراف آن و گرداگرد مئوه بنا کرد و یوآب باقی شهر را تعمیر نمود. ۹ و داود ترقی کرده، بزرگ می‌شد و یهوه صباپوت با وی می‌بود.

## شجاعان داود

۱۰ و اینانند رؤسای شجاعانی که داود داشت که با تمامی اسرائیل او را در سلطنتش تقویت دادند تا او را برحسب کلامی که *خداوند* درباره اسرائیل گفته بود پادشاه سازد. ۱۱ و عدد شجاعانی که داود داشت این است: یثبعم بن حکوئی که سردار شلیشیم بود که بر سیصد نفر نیزه خود را حرکت داد و ایشان را در يك وقت کشت.

۱۲ و بعد از او العازار بن دودوی اخوخی که یکی از آن سه شجاع بود. ۱۳ او با داود در فسدمیم بود وقتی که فلسطینیان در آنجا برای جنگ جمع شده بودند، و قطعه زمین پُر از جو بود، و قوم از حضور فلسطینیان فرار می‌کردند. ۱۴ و ایشان در میان آن قطعه زمین ایستاده، آن را محافظت نمودند، و فلسطینیان را شکست دادند و *خداوند* نصرت عظیمی به ایشان داد.

۱۵ و سه نفر از آن سی سردار به صخره نزد داود به مغاره عدلام فرود شدند و لشکر فلسطینیان در وادی رفائیم اردو زده بودند. ۱۶ و داود در آن وقت در ملاذ خویش بود، و قراول فلسطینیان آن وقت در بیتلحم بودند. ۱۷ و داود خواهش نموده، گفت: «کاش کسی مرا از آب چاهی که نزد دروازه بیتلحم است بنوشاند.» ۱۸ پس آن سه مرد، لشکر فلسطینیان را از میان شکافته، آب را از چاهی که نزد دروازه بیتلحم است کشیده، برداشتند و آن را نزد داود آوردند؛ اما داود نخواست که آن را بنوشد و آن را به جهت *خداوند* بریخت، ۱۹ و گفت: «ای خدای من حاشا از من که این کار را بکنم! آیا خون این مردان را بنوشم که جان خود را به خطر انداختند زیرا به خطر جان خود آن را آوردند؟» پس نخواست که آن را بنوشد؛ کاری که این سه مرد شجاع کردند این است.

۲۰ و آیشای برادر یوآب سردار آن سه نفر بود و او نیز نیزه خود را بر سیصد نفر حرکت داده، ایشان را کشت و در میان آن سه نفر اسم یافت. ۲۱ در میان آن سه از دو مکرّم‌تر بود؛ پس سردار ایشان شد، لیکن به سه نفر اول نرسید.

۲۲ و بنایا ابن یهویاداع پسر مردی شجاع قبصییلی بود که کارهای عظیم کرده بود، و پسر آریئیل موآبی را کشت و در روز برف به حفره‌ای فرود شده، شیری را کشت. ۲۳ و مرد مصری بلندقد را که قامت او پنج ذراع بود کشت، و آن مصری در دست خود نیزه‌ای مثل نورد نساجان داشت؛ اما او نزد وی با چوبدستی رفت و نیزه را از دست مصری ربوده، وی را با نیزه خودش کشت. ۲۴ بنایا ابن یهویاداع این کارها را کرد و در میان آن سه مرد شجاع اسم یافت. ۲۵ اینک او از آن سی نفر مکرّم‌تر شد، لیکن به آن سه نفر اول نرسید و داود او را بر اهل مشورت خود برگماشت.

۲۶ و نیز از شجاعان لشکر، عسائیل برادر یوآب و الحانان بن دودوی بیتلحمی، ۲۷ و شموت هروری و حالص قلونی، ۲۸ و عیرا ابن عقیث ثقوعی و ابیعزر عنائوتی، ۲۹ و سبکای خوشاتی و عیلای اخوخی، ۳۰ و مهرای نطوفاتی و خالد بن بعنه نطوفاتی، ۳۱ و ائای ابن ربیای از جبعه بنی‌بنیامین و بنایای فرعائونی، ۳۲ و حورای از وادیهای جاعش و ابیئیل عرباتی، ۳۳ و عزموت بحرومی و ایحبای شعلبونی. ۳۴ و از بنی‌هاشم

جزونی یوناتان بن شاجای هراری، ۳۵ و آخیام بن ساکار هراری و الیفال بن اور، ۳۶ و حافر مکیراتی و آخیای قَلونی، ۳۷ و حَصْرُوی گَرْمَلی و نَعْرای ابن آزبای. ۳۸ و یوئیل برادر ناتان و مِبْحار بن هَجْری، ۳۹ و صالِق عَمُونی و نحرای بیروتی که سلاحدار یوآب بن صَرُویه بود. ۴۰ و عیرای یثری و جارَب یثری، ۴۱ و اوریای حنی و زاباد بن اَحْلائی، ۴۲ و عَدینا ابن شیزای رُوبینی که سردار رُوبینیان بود و سی نفر همراهش بودند. ۴۳ و حانان بن مَعْگه و یوشافاط مِثنی، ۴۴ و عَزّیای عَشْتَرُوتی و شاماع و یَعُوئیل پسران حُوتام عَرُوعیری، ۴۵ و یدیعئیل بن شِمْری و برادرش یوخای تیصی، ۴۶ و الیئیل از مَحُوم و یریبای یوشویا پسران اَلناعم و یثمه موآبی، ۴۷ و الیئیل و عوبید و یعیئیل مَصُوباتی.

## ۱۲

و اینانند که نزد داود به صیقل آمدند، هنگامی که او هنوز از ترس شاول بن قیس گرفتار بود، و ایشان از آن شجاعان بودند که در جنگ معاون او بودند. ۲ و به کمان مسلح بودند و سنگها و تیرها از کمانها از دست راست و دست چپ می انداختند و از برادران شاول بنیامینی بودند. ۳ سردار ایشان آخیعزر بود، و بعد از او یوآش پسران شماعه جبعاتی و یزئیل و فالط پسران عزموت و براگه و بیهوی عناتوتی، ۴ و یشمعیای جبعونی که در میان آن سی نفر شجاع بود، و بر آن سی نفر برتری داشت و ارمیا و یحزئیل و یوحانان و یوزاباد جدیراتی، ۵ و العوزای و یریموت و بعلیا و شمریا و شفقطیای حرُوفی، ۶ و اَلقانه و یشیا و عَزْرئیل و یوعزر و یشبعام که از فُورحیان بودند، ۷ و یوعیله و زبَدیا پسران یروحام جدوری. ۸ و بعضی از جادیان که مردان قوی شجاع و مردان جنگ آزموده و مسلح به سپر و تیراندازان که روی ایشان مثل روی شیر و مانند غزال کوهی تیزرو بودند، خویشتن را نزد داود در ملاذ بیابان جدا ساختند، ۹ که رئیس ایشان عازر و دومین عوبدیا و سومین الیآب بود، ۱۰ و چهارمین مِشمه و پنجمین ارمیا، ۱۱ و ششم عتای و هفتم الیئیل، ۱۲ و هشتم یوحانان و نهم الزاباد، ۱۳ و دهم ارمیا و یازدهم مگبئای. ۱۴ اینان از بنی جاد رؤسای لشکر بودند که کوچکتر ایشان برابر صد نفر و بزرگتر برابر هزار نفر می بود. ۱۵ اینانند که در ماه اول از اَرْدُن عبور نمودند هنگامی که آن از تمامی حدودش سیلان کرده بود و جمیع ساکنان وادیها را هم به طرف مشرق و هم به طرف مغرب منهزم ساختند.

۱۶ و بعضی از بنی بنیامین و یهودا نزد داود به آن ملاذ آمدند. ۱۷ و داود به استقبال ایشان بیرون آمده، ایشان را خطاب کرده، گفت: «اگر با سلامتی برای اعانت من نزد من آمدید، دل من با شما ملصق خواهد شد؛ و اگر برای تسلیم نمودن من به دست دشمنانم آمدید، با آنکه ظلمی در دست من نیست، پس خدای پدران ما این را ببیند و انصاف نماید.» ۱۸ آنگاه روح بر عماسای که رئیس شلاشیم بود نازل شد (و او گفت): «ای داود ما از آن تو و ای پسر یسی ما با تو هستیم؛ سلامتی، سلامتی بر تو باد، و سلامتی بر انصار تو باد زیرا خدای تو نصرت دهنده تو است.» پس داود ایشان را پذیرفته، سرداران لشکر ساخت.

۱۹ و بعضی از مَنسی به داود ملحق شدند هنگامی که او همراه فلسطینیان برای مقاتله با شاول می رفت؛ اما ایشان را مدد نکردند زیرا که سرداران فلسطینیان بعد از مشورت



نمودن، او را پس فرستاده، گفتند که: «او با سرهای ما به آقای خود شاول ملحق خواهد شد.» ۲۰ و هنگامی که به صیقل می‌رفت، بعضی از منسی به او پیوستند یعنی عَدْناح و یوزاباد و یدیعئیل و میکائیل و یوزاباد و آلیهو و صلتای که سرداران هزارهای منسی بودند. ۲۱ ایشان داود را به مقاومت فوجهای (عمالقه) مدد کردند، زیرا جمیع ایشان مردان قوی شجاع و سردار لشکر بودند. ۲۲ زیرا در آن وقت، روز به روز برای اعانت داود نزد وی می‌آمدند تا لشکر بزرگ، مثل لشکر خدا شد.

۲۳ و این است شماره افراد آنانی که برای جنگ مسلح شده، نزد داود به حبرون آمدند تا سلطنت شاول را برحسب فرمان خداوند به وی تحویل نمایند. ۲۴ از بنی‌یهودا شش هزار و هشتصد نفر که سپر و نیزه داشتند و مسلح جنگ بودند. ۲۵ از بنی‌شمعون هفت هزار و یکصد نفر که مردان قوی شجاع برای جنگ بودند. ۲۶ از بنی‌لاوی چهار هزار و ششصد نفر. ۲۷ و یهویداع رئیس بنی‌هارون و سه هزار و هفتصد نفر همراه وی. ۲۸ و صادوق که جوان قوی و شجاع بود با بیست و دو سردار از خاندان پدرش. ۲۹ و از بنی‌بنیامین سه هزار نفر از برادران شاول و تا آن وقت اکثر ایشان وفای خاندان شاول را نگاه می‌داشتند. ۳۰ و از بنی‌افرایم بیست هزار و هشتصد نفر که مردان قوی و شجاع و در خاندان پدران خویش نامور بودند. ۳۱ و از نصف سبط منسی هجده هزار نفر که به نامهای خود تعیین شده بودند که بیایند و داود را به پادشاهی نصب نمایند. ۳۲ و از بنی‌یساکار کسانی که از زمانها مخبر شده، می‌فهمیدند که اسرائیلیان چه باید بکنند، سرداران ایشان دویست نفر و جمیع برادران ایشان فرمان‌بردار ایشان بودند. ۳۳ و از زبولون پنجاه هزار نفر که با لشکر بیرون رفته، می‌توانستند جنگ را با همه آلات حرب بیارایند و صف‌آرایی کنند و دو دل نبودند. ۳۴ و از نقتالی هزار سردار و با ایشان سی و هفت هزار نفر با سپر و نیزه. ۳۵ و از بنی‌دان بیست و هشت هزار و ششصد نفر که برای جنگ مهیا شدند. ۳۶ و از آشیر چهل هزار نفر که با لشکر بیرون رفته، می‌توانستند جنگ را مهیا سازند. ۳۷ و از آن طرف اردن از بنی‌روبین و بنی‌جاد و نصف سبط منسی صد و بیست هزار نفر که با جمیع آلات لشکر برای جنگ (مهیا شدند).

۳۸ جمیع اینها مردان جنگی بودند که بر صف‌آرایی قادر بودند با دل کامل به حبرون آمدند تا داود را بر تمامی اسرائیل به پادشاهی نصب نمایند، و تمامی بقیه اسرائیل نیز برای پادشاه ساختن داود يك دل بودند. ۳۹ و در آنجا با داود سه روز اکل و شرب نمودند زیرا که برادران ایشان به جهت ایشان تدارک دیده بودند. ۴۰ و مجاوران ایشان نیز تا یساکار و زبولون و نقتالی نان بر الاغها و شتران و قاطران و گاوان آوردند و مأكولات از آرد و قرصهای انجیر و کشمش و شراب و روغن و گاوان و گوسفندان به فراوانی آوردند چونکه در اسرائیل شادمانی بود.

## بازگرداندن تابوت عهد

۱۳

و داود با سرداران هزاره و صده و با جمیع رؤسا مشورت کرد. ۲ و داود به تمامی جماعت اسرائیل گفت: «اگر شما مصلحت می‌دانید و اگر این از جانب یهوه خدای ما باشد، نزد برادران خود که در همه زمینهای اسرائیل باقی مانده‌اند، به هر طرف بفرستیم و با ایشان کاهنان و لاویانی که در شهرهای خود و حوالی آنها می‌باشند، نزد ما

جمع شوند، ۳ و تابوت خدای خویش را باز نزد خود بیاوریم چونکه در ایام شاول نزد آن مسألت ننمودیم.» ۴ و تمامی جماعت گفتند که: «چنین نکنیم.» زیرا که این امر به نظر تمامی قوم پسند آمد.

۵ پس داود تمامی اسرائیل را از شیخور مصر تا مدخل حَمات جمع کرد تا تابوت خدا را از قریت یعاریم بیاورند. ۶ و داود و تمامی اسرائیل به بَعْلَه که همان قریت یعاریم است و از آن یهودا بود، برآمدند تا تابوت خدا یهوه را که در میان کروبیان در جایی که اسم او خوانده می‌شود ساکن است، از آنجا بیاورند. ۷ و تابوت خدا را بر ارابه‌ای تازه از خانه آبیناداب آوردند و عَزّا و اَخیو ارابه را می‌رانند. ۸ و داود و تمامی اسرائیل با سرود و بربط و عود و دف و سنج و کرنا به قوت تمام به حضور خدا وجد می‌نمودند. ۹ و چون به خرمنگاه کیدون رسیدند عَزّا دست خود را دراز کرد تا تابوت را بگیرد زیرا گاوان می‌لغزیدند. ۱۰ و خشم خداوند بر عَزّا افروخته شده، او را زد از آن جهت که دست خود را به تابوت دراز کرد و در آنجا به حضور خدا مرد. ۱۱ و داود محزون شد چونکه خداوند بر عَزّا رخنه نمود و آن مکان را تا امروز فارص عَزّا نامید. ۱۲ و در آن روز داود از خدا ترسان شده، گفت: «تابوت خدا را نزد خود چگونه بیاورم؟» ۱۳ پس داود تابوت را نزد خود به شهر داود نیاورد بلکه آن را به خانه عوبید اُدوم جئی برگردانید. ۱۴ و تابوت خدا نزد خاندان عوبید اُدوم در خانه‌اش سه ماه ماند و خداوند خانه عوبید اُدوم و تمامی مایمک او را برکت داد.

## خانه و خاندان داود

۱۴

و حیرام پادشاه صور، قاصدان با چوب سرو آزاد و بنایان و نجاران نزد داود فرستاد تا خانه‌ای برای او بسازند. ۲ و داود دانست که خداوند او را به پادشاهی اسرائیل استوار داشته است، زیرا که سلطنتش به‌خاطر قوم او اسرائیل به درجه بلند برافراشته شده بود.

۳ و داود در اورشلیم باز زنان گرفت، و داود پسران و دختران دیگر تولید نمود. ۴ و این است نامهای فرزندان او که در اورشلیم برای وی به‌هم رسیدند: شَمُوع و شُوباب و ناتان و سُلیمان، ۵ و ییحار و الیشوع و الیفالط، ۶ و نُوجَه و نافج و یافیع، ۷ و الیشامع و بعلیاداع و الیفلط.

## پیروزی داود بر فلسطینیان

۸ و چون فلسطینیان شنیدند که داود به پادشاهی تمام اسرائیل مسح شده است، پس فلسطینیان برآمدند تا داود را (برای جنگ) بطلبند؛ و چون داود شنید، به مقابله ایشان برآمد. ۹ و فلسطینیان آمده، در وادی رفائیم منتشر شدند. ۱۰ و داود از خدا مسألت‌نموده، گفت: «آیا به مقابله فلسطینیان برآیم و آیا ایشان را به دست من تسلیم خواهی نمود؟» خداوند او را گفت: «برای و ایشان را به دست تو تسلیم خواهم کرد.» ۱۱ پس به بَعْل قِراسیم برآمدند و داود ایشان را در آنجا شکست داد و داود گفت: «خدا بر دشمنان من به دست من مثل رخنه آب رخنه کرده است.» بنابراین آن مکان را بَعْل

فَراضِيم نام نهادند. ۱۲ و خدایان خود را در آنجا ترك کردند و داود امر فرمود که آنها را به آتش بسوزانند.

۱۳ و فلسطینیان بار دیگر در آن وادی منتشر شدند. ۱۴ و داود باز از خدا سؤال نمود و خدا او را گفت: «از عقب ایشان مرو بلکه از ایشان رو گردانیده، در مقابل درختان توت به ایشان نزدیک شو. ۱۵ و چون در سر درختان توت آواز قدمها بشنوی، آنگاه برای جنگ بیرون شو، زیرا خدا پیش روی تو بیرون رفته است تا لشکر فلسطینیان را مغلوب سازد.» ۱۶ پس داود بر وفق آنچه خدا او را امر فرموده بود، عمل نمود و لشکر فلسطینیان را از جَبْعُون تا جازز شکست دادند. ۱۷ و اسم داود در جمیع اراضی شیوع یافت و خد/وند ترس او را بر تمامی امت‌ها مستولی ساخت.

## آوردن تابوت عهد به اورشلیم

۱۵

و داود در شهر خود خانه‌ها بنا کرد و مکانی برای تابوت خدا مهیا ساخته، خیمه‌ای به جهت آن برپا نمود. ۲ آنگاه داود فرمود که غیر از لاویان کسی تابوت خدا را بر ندارد زیرا خد/وند ایشان را برگزیده بود تا تابوت خدا را بردارند و او را همیشه خدمت نمایند. ۳ و داود تمامی اسرائیل را در اورشلیم جمع کرد تا تابوت خد/وند را به مکانی که برایش مهیا ساخته بود، بیاورند. ۴ و داود پسران هارون و لاویان را جمع کرد. ۵ از بنی‌قَهات اُورینیل رئیس و صد و بیست نفر برادرانش را. ۶ از بنی‌مَراری، عَسایای رئیس و دویست و بیست نفر برادرانش را. ۷ از بنی‌جَرشُوم، یونیل رئیس و صد و سی نفر برادرانش را. ۸ از بنی‌الیصافان، شَمعیای رئیس و دویست نفر برادرانش را. ۹ از بنی‌حَبْرُون، ایلینیل رئیس و هشتاد نفر برادرانش را. ۱۰ از بنی‌عَزینیل، عَمیناداب رئیس و صد و دوازده نفر برادرانش را.

۱۱ و داود صادق و ابیاتار گَهَنه و لاویان یعنی اُریئیل و عَسایا و یونیل و شَمعیای ایلینیل و عَمیناداب را خوانده، ۱۲ به ایشان گفت: «شما رؤسای خاندانهای آبای لاویان هستید؛ پس شما و برادران شما خویشتن را تقدیس نمایید تا تابوت یهوه خدای اسرائیل را به مکانی که برایش مهیا ساخته‌ام بیاورید. ۱۳ زیرا از این سبب که شما دفعه اول آن را نیاوردید، یهوه خدای ما بر ما رخنه کرد، چونکه او را به حسب قانون نطلبیدیم.» ۱۴ پس کاهنان و لاویان خویشتن را تقدیس نمودند تا تابوت یهوه خدای اسرائیل را بیاورند. ۱۵ و پسران لاویان بر وفق آنچه موسی بر حسب کلام خد/وند امر فرموده بود، چوب‌دستیهای تابوت خدا را بر کتفهای خود گذاشته، آن را برداشتند.

۱۶ و داود رؤسای لاویان را فرمود تا برادران خود مغنیان را با آلات موسیقی از عودها و بریطها و سنجها تعیین نمایند، تا به آواز بلند و شادمانی صدا زنند. ۱۷ پس لاویان هیمان بن یونیل و از برادران او آساف بن برگیا و از برادران ایشان بنی‌مَراری ایتان بن فوشیا را تعیین نمودند. ۱۸ و با ایشان از برادران درجه دوم خود: زکریا و بین و یغزینیل و شمیراموت و یحییئیل و عُنّی و الیاب و بنایا و معسیا و منثیا و الیفلیا و مقنیا و عوبید اُدوم و یعیئیل دربانان را. ۱۹ و از مغنیان: هیمان و آساف و ایتان را با سنجهای برنجین تا بنوازند. ۲۰ و زکریا و عزینیل و شمیراموت و یحییئیل و عُنّی و الیاب

و مَعَسِيَا و بِنَايَا رَا بَا عَوْدَهَا بَرِ اَلَامُوْت. ۲۱ و مَثِّيَا و اَلْيَفْلِيَا و مَقْتِيَا و عُوْبِيْد اُدُوْم و يَعِيْبِيْل و عَزْرِيَا رَا بَا بَرِيْطَهَاي بَر ثَمَانِي تَا پِيْشِرُوِي نَمَايْنِد. ۲۲ و كَنْثِيَا رَيْسِي لَاوِيَان بَر نَعْمَات بُوْد و مَغْنِيَان رَا تَعْلِيْم مِي دَاد زِيْرَا كِه مَاهِر بُوْد. ۲۳ و بَرَكِيَا و اَلْقَاتَه دَر بَانَان تَابُوْت بُوْدنِد. ۲۴ و شَبِّيَا و يُوْشَافَاط و نَنْثِيْل و عَمَاسَاي و زَكْرِيَا و بِنَايَا و اَلْيَعَزْر كَهَنَه پِيْش تَابُوْت خِدا كَرْنَا مِي نُوَاخْتَنْد، و عُوْبِيْد اُدُوْم و يَحْيِي دَر بَانَان تَابُوْت بُوْدنِد.

۲۵ و دَاوُد و مَشَايْخ اِسْرَائِيْل و سَرْدَارَان هَزَارَه رَفْتَنْد تَا تَابُوْت عَهْد خِدا/وَنِد رَا اَز خَانَه عُوْبِيْد اُدُوْم بَا شَادِمَانِي بِيَاوَرَنْد. ۲۶ و چُون خِدا لَاوِيَان رَا كِه تَابُوْت عَهْد خِدا/وَنِد رَا بَرْمِي دَاشْتَنْد اِعَانْت كَرْد، اِيْشَان هَفْت گَاو و هَفْت قُوْچ ذَبْح كَرْدنِد. ۲۷ و دَاوُد و جَمِيْع لَاوِيَانِي كِه تَابُوْت رَا بَرْمِي دَاشْتَنْد و مَغْنِيَان و كَنْثِيَا كِه رَيْس نَعْمَات مَغْنِيَان بُوْد بَه كَتَان نَازَك مَلْبَس بُوْدنِد، و دَاوُد اِيْفُوْد كَتَان دَر بَر دَاشْت. ۲۸ و تَمَامِي اِسْرَائِيْل تَابُوْت عَهْد خِدا/وَنِد رَا بَه اَوَاز شَادِمَانِي و اَوَاز بُوْق و كَرْنَا و سَنَج و عُوْد و بَرِيْط مِي نُوَاخْتَنْد.

۲۹ و چُون تَابُوْت عَهْد خِدا/وَنِد وَاْرِد شَهْر دَاوُد مِي شُد، مِيكَال دَخْتَر شَاوُل اَز پَنْجَرَه نَكْرِيْسْت و دَاوُد پَادشَاه رَا دِيْد كِه رَقْص و وَجْد مِي نَمَايِد، او رَا دَر دَل خُوْد خُوَار شَمَرْد.

## سرود داود

### ۱۶

و تَابُوْت خِدا رَا اَوْرَدَه، اَن رَا دَر خِيْمَهَاي كِه دَاوُد بَر اِيْش بَرِيْپَا كَرْدَه بُوْد، كُذَاشْتَنْد؛ و قَرْبَانِي هَاي سُوخْتَنِي و ذَبَايْح سَلَامَتِي بَه حَضُوْر خِدا كُذْرَانِيْدنِد. ۲ و چُون دَاوُد اَز كُذْرَانِيْدن قَرْبَانِي هَاي سُوخْتَنِي و ذَبَايْح سَلَامَتِي فَاْرَغ شُد، قَوْم رَا بَه اِسْم خِدا/وَنِد بَرَكْت دَاد. ۳ و بَه جَمِيْع اِسْرَائِيْلِيَان بَه مَرْدَان و زَنَان بَه هَر يَكِي يَكِ كَرْدَه نَان و يَكِ پَارَه گوْشْت و يَكِ قَرْص كَشْمَش بَخْشِيْد.

۴ و بَعْضِي اَز لَاوِيَان رَا بَر اِيْ خِدْمَتْكَزَارِي پِيْش تَابُوْت خِدا/وَنِد تَعْيِيْن نَمُوْد تَا يَهُوَه خِداي اِسْرَائِيْل رَا ذَكْر نَمَايْنِد و شُكْر گوِيْنِد و تَسْبِيْح خُوَانَنْد، ۵ يَعْنِي اَسَاف رَيْسِي و بَعْد اَز او زَكْرِيَا و يَعِيْبِيْل و شَمِيْرَامُوْت و يَحْيِيْبِيْل و مَثِّيَا و اَلْيَاْب و بِنَايَا و عُوْبِيْد اُدُوْم و يَعِيْبِيْل رَا بَا عَوْدَهَا و بَرِيْطَهَا و اَسَاف بَا سَنَجَهَا مِي نُوَاخْت. ۶ و بِنَايَا و يَحْزَبِيْبِيْل كَهَنَه پِيْش تَابُوْت عَهْد خِدا بَا كَرْنَاهَا دَائِمًا (حَاضِر مِي بُوْدنِد).

۷ پَس دَر هِمَان رُوْز دَاوُد اَوَّلًا (اِيْن سَرُوْد رَا) بَه دَسْت اَسَاف و بَرَادَرَانْش دَاد تَا خِدا/وَنِد رَا تَسْبِيْح بَخُوَانَنْد:

۸ يَهُوَه رَا حَمْد گوِيْد و نَام او رَا بَخُوَانِيْد. اِعْمَال او رَا دَر مِيَان قَوْمَهَا اِعْلَام نَمَايِيْد.

۹ او رَا بَسْرَايِيْد بَر اِيْ او تَسْبِيْح بَخُوَانِيْد. دَر تَمَامِي كَارَهَاي عَجِيْب او تَفَكْر نَمَايِيْد.

۱۰ دَر نَام قَدُوْس او فَخْر كُنِيْد. دَل طَالِبَان خِدا/وَنِد شَادِمَان بَاشُد.

۱۱ خِدا/وَنِد و قُوْت او رَا بَطْلِيْبِيْد. رُوِي او رَا پِيُوْسْتَه طَالِب بَاشِيْد.

۱۲ كَارَهَاي عَجِيْب رَا كِه او كَرْدَه اَسْت، بِيَاْد اَوْرِيْد، اَيَات او و دَاوْرِيْهَاي دِهَان وِي رَا،

۱۳ اِي ذَرِيْت بَنْدَه او اِسْرَائِيْل! اِي فَرَزَنْدَان يَعْقُوْب بَر كُزِيْدَه او! ۱۴ يَهُوَه خِداي مَا اَسْت. دَاوْرِيْهَاي او دَر تَمَامِي جِهَان اَسْت.

۱۵ عَهْد او رَا بِيَاْد اَوْرِيْد تَا اَبْدَالَاْبَاد، و كَلَامِي رَا كِه بَه هَزَارَان پَشْت فَرْمُوْدَه اَسْت،

۱۶ اَن عَهْدِي رَا كِه بَا اِبْرَاهِيْم بَسْتَه، و قَسْمِي رَا كِه بَر اِيْ اِسْحَاق خُوْرْدَه اَسْت،

۱۷ و اَن رَا بَر اِيْ يَعْقُوْب فَرِيْضَه قَرَار دَاد و بَر اِيْ اِسْرَائِيْل عَهْد جَاوَدَانِي؛

۱۸ و كَفْت زَمِيْن كُنْعَان رَا بَه تُو خُوَاْهَم دَاد، تَا حَصَه مِيْرَاث شَمَا شُوْد،

۱۹ هنگامی که عددی معدود بودید، قلیل‌العدد و غربا در آنجا،  
 ۲۰ و از اُمّتی تا اُمّتی سرگردان می‌بودند، و از يك مملکت تا قوم دیگر.  
 ۲۱ او نگذاشت که کسی بر ایشان ظلم کند، بلکه پادشاهان را به خاطر ایشان توبیخ نمود،  
 ۲۲ که بر مسیحان من دست مگذارید، و انبیای مرا ضرر مرسانید.  
 ۲۳ ای تمامی زمین یهوه را بسرایید. نجات او را روز به روز بشارت دهید.  
 ۲۴ در میان اُمّت‌ها جلال او را ذکر کنید، و کارهای عجیب او را در جمیع قوم‌ها.  
 ۲۵ زیرا خد/وند عظیم است و بی‌نهایت محمود؛ و او مُهیب است بر جمیع خدایان.  
 ۲۶ زیرا جمیع خدایان اُمّت‌ها بت‌هایند. اما یهوه آسمانها را آفرید.  
 ۲۷ مجد و جلال به حضور وی است؛ قوت و شادمانی در مکان او است.  
 ۲۸ ای قبایل قوم‌ها خد/وند را توصیف نمایید. خد/وند را به جلال و قوت توصیف  
 نمایید.  
 ۲۹ خد/وند را به جلال اسم او توصیف نمایید. هدایا بیاورید و به حضور وی بیایید.  
 خد/وند را در زینت قدوسیت بپرستید.  
 ۳۰ ای تمامی زمین از حضور وی بلرزید. ربع مسکون نیز پایدار شد و جنبش نخواهد  
 خورد.  
 ۳۱ آسمان شادی کند و زمین سرور نماید، و در میان اُمّت‌ها بگویند که یهوه سلطنت  
 می‌کند.  
 ۳۲ دریا و پری آن غرش نماید؛ و صحرا و هر چه در آن است به وجد آید.  
 ۳۳ آنگاه درختان جنگل ترنم خواهند نمود، به حضور خد/وند زیرا که برای داوری  
 جهان می‌آید.  
 ۳۴ یهوه را حمد بگویید زیرا که نیکو است. زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. ۳۵ و  
 بگویید ای خدای نجات ما ما را نجات بده. و ما را جمع کرده، از میان اُمّت‌ها رهایی  
 بخش. تا نام قدوس تو را حمد گوئیم، و در تسبیح تو فخر نماییم.  
 ۳۶ یهوه خدای اسرائیل متبارک باد. از ازل تا ابدالآباد.  
 و تمامی قوم آمین گفتند و خد/وند را تسبیح خواندند.  
 ۳۷ پس آساف و برادرانش را آنجا پیش تابوت عهد خد/وند گذاشت تا همیشه پیش  
 تابوت به خدمت هر روز در روزش مشغول باشند. ۳۸ و عوبید اُدوم و شصت و هشت  
 نفر برادران ایشان و عوبید اُدوم بن یدئوون و حوسه دربانان را. ۳۹ و صادق کاهن و  
 کاهنان برادرانش را پیش مسکن خد/وند در مکان بلندی که در جبعون بود، ۴۰ تا  
 قربانی‌های سوختنی برای خد/وند بر مذبح قربانی سوختنی دائماً صبح و شام بگذرانند  
 برحسب آنچه در شریعت خد/وند که آن را به اسرائیل امر فرموده بود مکتوب است.  
 ۴۱ و با ایشان هیمان و یدئوون و سایر برگزیدگانی را که اسم ایشان ذکر شده بود تا  
 خد/وند را حمد گویند زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است. ۴۲ و همراه ایشان هیمان و  
 یدئوون را با کرّناها و سنجها و آلات نغمات خدا به جهت نوازندگان و پسران یدئوون را  
 تا نزد دروازه باشند.  
 ۴۳ پس تمامی قوم هر یکی به خانه خود رفتند، اما داود برگشت تا خانه خود را تبرک  
 نماید.

**و عده خدا به داود**

و واقع شد چون داود در خانه خود نشسته بود که داود به ناتان نبی گفت: «اینک من در خانه سرو آزاد ساکن می‌باشم و تابوت عهد *خداوند* زیر پرده‌ها است.» ۲ ناتان به داود گفت: «هر آنچه در دلت باشد به عمل آور زیرا خدا با تو است.» ۳ و در آن شب واقع شد که کلام خدا به ناتان نازل شده، گفت: ۴ «برو و به بنده من داود بگو *خداوند* چنین می‌فرماید: تو خانه‌ای برای سکونت من بنا خواهی کرد. زیرا از روزی که بنی‌اسرائیل را بیرون آوردم تا امروز در خانه ساکن نشده‌ام بلکه از خیمه به خیمه و مسکن به مسکن گردش کرده‌ام. ۶ و به هر جایی که با تمامی اسرائیل گردش کرده‌ام، آیا به احدی از داوران اسرائیل که برای رعایت قوم خود مأمور داشتم، سخنی گفتم که چرا خانه‌ای از سرو آزاد برای من بنا نکردید؟ ۷ و حال به بنده من داود چنین بگو: یهوه صباپوت چنین می‌فرماید: من تو را از چراگاه از عقب گوسفندان گرفتم تا پیشوای قوم من اسرائیل باشی. ۸ و هر جایی که می‌رفتی، من با تو می‌بودم و جمیع دشمنانت را از حضور تو منقطع ساختم و برای تو اسمی مثل اسم بزرگانی که بر زمین‌اند پیدا کردم. ۹ و به جهت قوم خود اسرائیل مکانی تعیین نمودم و ایشان را غرس کردم تا در مکان خویش ساکن شده، باز متحرک نشوند، و شریران ایشان را دیگر مثل سابق ذلیل نسازند. ۱۰ و از ایامی که داوران را بر قوم خود اسرائیل تعیین نمودم و تمامی دشمنانت را مغلوب ساختم، تو را خبر می‌دادم که *خداوند* خانه‌ای برای تو بنا خواهد نمود. ۱۱ و چون روزهای عمر تو تمام شود که نزد پدران خود رحلت کنی، آنگاه ذریت تو را که از پسران تو خواهد بود، بعد از تو خواهم برانگیخت و سلطنت او را پایدار خواهم نمود. ۱۲ او خانه‌ای برای من بنا خواهد کرد و من کرسی او را تا به ابد استوار خواهم ساخت. ۱۳ من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود و رحمت خود را از او دور نخواهم کرد چنانکه آن را از کسی که قبل از تو بود دور کردم. ۱۴ و او را در خانه و سلطنت خودم تا به ابد پایدار خواهم ساخت و کرسی او استوار خواهد ماند تا ابدالآباد.» ۱۵ برحسب تمامی این کلمات و مطابق تمامی این رؤیا ناتان به داود تکلم نمود.

## دعای داود

۱۶ و داود پادشاه داخل شده، به حضور *خداوند* نشست و گفت: «ای یهوه خدا، من کیستم و خاندان من چیست که مرا به این مقام رسانیدی؟ ۱۷ و این نیز در نظر تو ای خدا امر قلیل نمود زیرا که درباره خانه بنده‌ات نیز برای زمان طویل تکلم نمودی و مرا ای یهوه خدا، مثل مرد بلندمرتبه منظور داشتی. ۱۸ و داود دیگر درباره اکرامی که به بنده خود کردی، نزد تو چه تواند افزود زیرا که تو بنده خود را می‌شناسی. ۱۹ ای *خداوند*، به خاطر بنده خود و موافق دل خویش جمیع این کارهای عظیم را به جا آوردی تا تمامی این عظمت را ظاهر سازی. ۲۰ ای یهوه مثل تو کسی نیست و غیر از تو خدایی نی. موافق هر آنچه به گوشه‌های خود شنیدیم، ۲۱ و مثل قوم تو اسرائیل کدام امتی بر روی زمین است که خدا بیاید تا ایشان را فدیة داده، برای خویش قوم بسازد، و به کارهای عظیم و مهیب اسمی برای خود پیدا نمایی و امت‌ها را از حضور قوم خود که ایشان را از مصر فدیة دادی، اخراج نمایی. ۲۲ و قوم خود اسرائیل را برای خویش تا به ابد قوم ساختی و توای یهوه خدای ایشان شدی.

۲۳ «و الان ای خداوند کلامی که درباره بندهات و خانه‌اش گفتی تا به ابد استوار شود و بر حسب آنچه گفتی عمل نما. ۲۴ و اسم تو تا به ابد استوار و معظم بماند تا گفته شود که یهوه صباپوت خدای اسرائیل خدای اسرائیل است و خاندان بندهات داود به حضور تو پایدار بماند. ۲۵ زیرا تو ای خدای من بر بنده خود کشف نمودی که خانه‌ای برایش بنا خواهی نمود؛ بنابراین بندهات جرأت کرده است که این دعا را نزد تو بگوید. ۲۶ و الان ای یهوه، تو خدا هستی و این احسان را به بنده خود وعده داده‌ای. ۲۷ و الان تو را پسند آمد که خانه بنده خود را برکت دهی تا در حضور تو تا به ابد بماند زیرا که تو ای خداوند برکت داده‌ای و مبارك خواهد بود تا ابدالابد.»

## فتوحات داود

### ۱۸

و بعد از این واقع شد که داود فلسطینیان را شکست داده، مغلوب ساخت

و جت و قریه‌هایش را از دست فلسطینیان گرفت.  
 ۲ و موآب را شکست داد و موآبیان بندگان داود شده، هدایا آوردند.  
 ۳ و داود هدرعزر پادشاه صوبه را در حماهت هنگامی که می‌رفت تا سلطنت خود را نزد نهر فرات استوار سازد، شکست داد. ۴ و داود هزار ارابه و هفت هزار سوار و بیست هزار پیاده از او گرفت، و داود تمامی اسبان ارابه را پی کرد، اما از آنها برای صد ارابه نگاه داشت. ۵ و چون آرامیان دمشق به مدد هدرعزر پادشاه صوبه آمدند، داود بیست و دو هزار نفر از آرامیان را کشت. ۶ و داود در آرام دمشق (قراولان) گذاشت و آرامیان بندگان داود شده، هدایا آوردند. و خداوند داود را در هر جا که می‌رفت نصرت می‌داد. ۷ و داود سپرهای طلا را که بر خادمان هدرعزر بود گرفته، آنها را به اورشلیم آورد. ۸ و داود از طیحته و گون شهرهای هدرعزر برنج از حد زیاده گرفت که از آن سلیمان دریاچه و ستونها و ظروف برنجین ساخت.  
 ۹ و چون ثوغو پادشاه حماهت شنید که داود تمامی لشکر هدرعزر پادشاه صوبه را شکست داده است، ۱۰ پسر خود هدرام را نزد داود پادشاه فرستاد تا از سلامتی او بپرسد و او را تهنیت گوید از آن جهت که با هدرعزر جنگ نموده او را شکست داده بود، زیرا هدرعزر با ثوغو مقاتله می‌نمود؛ و هر قسم ظروف طلا و نقره و برنج (با خود آورد). ۱۱ و داود پادشاه آنها را نیز برای خداوند وقف نمود، با نقره و طلایی که از جمیع امت‌ها یعنی از ادوم و موآب و بنی‌عمون و فلسطینیان و عمالقه آورده بود.  
 ۱۲ و آیشای ابن صرویه هجده هزار نفر از ادومیان را در وادی ملح کشت. ۱۳ و در ادوم قراولان قرار داد و جمیع ادومیان بندگان داود شدند و خداوند داود را در هر جایی که می‌رفت نصرت می‌داد.

۱۴ و داود بر تمامی اسرائیل سلطنت نموده، انصاف و عدالت را بر تمامی قوم خود مجرا می‌داشت. ۱۵ و یوآب بن صرویه سردار لشکر بود و یهوشافاط بن آخیلود وقایع نگار. ۱۶ و صادوق بن آخیطوب و ابیملک بن آبیاتار کاهن بودند و شوشا کاتب بود. ۱۷ و بنایا ابن یهویداع رئیس‌گریتیان و فلپتیان و پسران داود نزد پادشاه مقدم بودند.

## جنگ با بنی‌عمون

و بعد از این واقع شد که ناحاش، پادشاه بنی‌عمون مرد و پسرش در جای او سلطنت نمود. ۲ و داود گفت: «با حائون بن ناحاش احسان نمایم چنانکه پدرش به من احسان کرد.» پس داود قاصدان فرستاد تا او را درباره پدرش تعزیت گویند. و خادمان داود به زمین بنی‌عمون نزد حائون برای تعزیت وی آمدند. ۳ و سروران بنی‌عمون به حائون گفتند: «آیا گمان می‌بری که به جهت تکریم پدر تو است که داود تعزیت‌کنندگان نزد تو فرستاده است؟ نی بلکه بندگانش به جهت تفحص و انقلاب و جاسوسی زمین نزد تو آمده‌اند.» ۴ پس حائون خادمان داود را گرفته، ریش ایشان را تراشید و لباسهای ایشان را از میان تا جای نشستن دریده، ایشان را رها کرد. ۵ و چون بعضی آمده، داود را از حالت آن کسان خبر دادند، به استقبال ایشان فرستاد زیرا که ایشان بسیار خجل بودند، و پادشاه گفت: «در آریحا بمانید تا ریشهای شما درآید و بعد از آن برگردید.»

۶ و چون بنی‌عمون دیدند که نزد داود مکروه شده‌اند، حائون و بنی‌عمون هزار وزنه نقره فرستادند تا ارابه‌ها و سواران از آرام نهرین و آرام معگه و صوبه برای خود اجیر سازند. ۷ پس سی و دو هزار ارابه و پادشاه معگه و جمعیت او را برای خود اجیر کردند، و ایشان بیرون آمده، در مقابل میدبا اردو زدند، و بنی‌عمون از شهرهای خود جمع شده، برای مقاتله آمدند. ۸ و چون داود این را شنید، یوآب و تمامی لشکر شجاعان را فرستاد. ۹ و بنی‌عمون بیرون آمده، نزد دروازه شهر برای جنگ صف‌آرایی نمودند. و پادشاهانی که آمده بودند، در صحرا علیحده بودند.

۱۰ و چون یوآب دید که روی صفوف جنگ، هم از پیش و هم از عقبش بود، از تمامی برگزیدگان اسرائیل گروهی را انتخاب کرده، در مقابل آرامیان صف‌آرایی نمود. ۱۱ و بقیه قوم را به دست برادر خود ایشای سپرد و به مقابل بنی‌عمون صف کشیدند. ۱۲ و گفت: «اگر آرامیان بر من غالب آیند، به مدد من بیا؛ و اگر بنی‌عمون بر تو غالب آیند، به جهت امداد تو خواهم آمد. ۱۳ دلیر باش که به جهت قوم خویش و به جهت شهرهای خدای خود مردانه بکوشیم و خداوند آنچه را در نظرش پسند آید بکند.» ۱۴ پس یوآب و گروهی که همراهش بودند، نزدیک شدند تا با آرامیان جنگ کنند و ایشان از حضور وی فرار کردند. ۱۵ و چون بنی‌عمون دیدند که آرامیان فرار کردند، ایشان نیز از حضور برادرش ایشای گریخته، داخل شهر شدند؛ و یوآب به اورشلیم برگشت.

۱۶ و چون آرامیان دیدند که از حضور اسرائیل شکست یافتند، ایشان قاصدان فرستاده، آرامیان را که به آن طرف نهر بودند آوردند، و شوقفک سردار لشکر هدرعزر پیشوای ایشان بود. ۱۷ و چون خبر به داود رسید، تمامی اسرائیل را جمع کرده، از اردن عبور نمود و به ایشان رسیده، مقابل ایشان صف‌آرایی نمود. و چون داود جنگ را با آرامیان آراسته بود، ایشان با وی جنگ کردند. ۱۸ و آرامیان از حضور اسرائیل فرار کردند و داود مردان هفت هزار ارابه و چهل هزار پیاده از آرامیان را کشت، و شوقفک سردار لشکر را به قتل رسانید. ۱۹ و چون بندگان هدرعزر دیدند که از حضور اسرائیل شکست خوردند، با داود صلح نموده، بنده او شدند، و آرامیان بعد از آن در اعانت بنی‌عمون اقدام ننمودند.

## جنگ با ربه و فلسطینیان



و واقع شد در وقت تحویل سال، هنگام بیرون رفتن پادشاهان، که یوآب قوت لشکر را بیرون آورد، و زمین بنی‌عمون را ویران ساخت و آمده، ربه را محاصره نمود. اما داود در اورشلیم ماند و یوآب ربه را تسخیر نموده، آن را منهدم ساخت. ۲ و داود تاج پادشاه ایشان را از سرش گرفت که وزنش يك وزنه طلا بود و سنگهای گرانبها داشت و آن را بر سر داود گذاشتند و غنیمت از حد زیاده از شهر بردند. ۳ و خلق آنجا را بیرون آورده، ایشان را به ارّه‌ها و چومهای آهنین و تیشه‌ها پاره‌پاره کرد؛ و داود به همین طور با جمیع شهرهای بنی‌عمون رفتار نمود. پس داود و تمامی قوم به اورشلیم برگشتند.

۴ و بعد از آن جنگی با فلسطینیان در جازر، واقع شد که در آن سبکای حوشاتی سقای را که از اولاد رافا بود کشت و ایشان مغلوب شدند. ۵ و باز جنگ با فلسطینیان واقع شد و الحانان بن یاعیر لحمیرا که برادر جلیات جتی بود کشت که چوب نیزه‌اش مثل نورد جولاهکان بود. ۶ و باز جنگ در جت واقع شد که در آنجا مردی بلند قد بود که بیست و چهار انگشت، شش بر هر دست و شش بر هر پا داشت و او نیز برای رافا زاییده شده بود. ۷ و چون او اسرائیل را به تنگ آورد، یهوناتان بن شیمعا برادر داود او را کشت. ۸ اینان برای رافا در جت زاییده شدند و به دست داود و به دست بندگان او افتادند.

## شمارش مردان جنگی

و شیطان به ضد اسرائیل برخاسته، داود را اغوا نمود که اسرائیل را بشمارد. ۲ و داود به یوآب و سروران قوم گفت: «بروید و عدد اسرائیل را از بئر شبع تا دان گرفته، نزد من بیاورید تا آن را بدانم.» ۳ یوآب گفت: «خداوند بر قوم خود هر قدر که باشند صد چندان مزید کند؛ و ای آقای پادشاه آیا جمیع ایشان بندگان آقایم نیستند؟ لیکن چرا آقایم خواهش این عمل دارد و چرا باید باعث گناه اسرائیل بشود؟» ۴ اما کلام پادشاه بر یوآب غالب آمد و یوآب در میان تمامی اسرائیل گردش کرده، باز به اورشلیم مراجعت نمود. ۵ و یوآب عدد شمرده‌شدگان قوم را به داود داد و جمله اسرائیلیان هزار هزار و یکصد هزار مرد شمشیرزن و از یهودا چهارصد و هفتاد و چهار هزار مرد شمشیرزن بودند. ۶ لیکن لاویان و بنیامینیان را در میان ایشان نشمرده زیرا که فرمان پادشاه نزد یوآب مکروه بود.

۷ و این امر به نظر خدا ناپسند آمد، پس اسرائیل را مبتلا ساخت. ۸ و داود به خدا گفت: «در این کاری که کردم، گناه عظیمی ورزیدم. و حال گناه بنده خود را عفو فرما زیرا که بسیار احمقانه رفتار نمودم.» ۹ و خداوند جاد را که رای‌ی داود بود خطاب کرده، گفت: ۱۰ «برو و داود را اعلام کرده، بگو خداوند چنین می‌فرماید: من سه چیز پیش تو می‌گذارم؛ پس یکی از آنها را برای خود اختیار کن تا برایت به عمل آورم.» ۱۱ پس جاد نزد داود آمده، وی را گفت: «خداوند چنین می‌فرماید برای خود اختیار کن: ۱۲ یا سه سال قحط بشود، یا سه ماه پیش روی خصمانت تلف شوی و شمشیر دشمنانت تو را در گیرد، یا سه روز شمشیر خداوند و وبا در زمین تو واقع شود، و فرشته خداوند تمامی حدود اسرائیل را ویران سازد. پس الان ببین که نزد فرستنده خود چه جواب

برم.» ۱۳ داود به جاد گفت: «در شدت تنگی هستم. تمنا اینکه به دست خداوند بیفتم زیرا که رحمت‌های او بسیار عظیم است و به دست انسان نیفتم.»

۱۴ پس خداوند و با بر اسرائیل فرستاد و هفتاد هزار نفر از اسرائیل مردند. ۱۵ و خدا فرشته‌ای به اورشلیم فرستاد تا آن را هلاک سازد. و چون می‌خواست آن را هلاک کند، خداوند ملاحظه نمود و از آن بلا پیشمان شد و به فرشته‌ای که (قوم را) هلاک می‌ساخت گفت: «کافی است، حال دست خود را بازدار.» و فرشته خداوند نزد خرمنگاه ارنان بیوسی ایستاده بود. ۱۶ و داود چشمان خود را بالا انداخته، فرشته خداوند را دید که در میان زمین و آسمان ایستاده است و شمشیری برهنه در دستش بر اورشلیم برافراشته؛ پس داود و مشایخ به پلاس ملبس شده، به روی خود در افتادند. ۱۷ و داود به خدا گفت: «آیا من برای شمردن قوم امر فرمودم و آیا من آن نیستم که گناه ورزیده، مرتکب شرارت زشت شدم؟ اما این گوسفندان چه کرده‌اند؟ پس ای یهوه خدایم، مستدعی این که دست تو بر من و خاندان پدرم باشد و به قوم خود بلا مسانی.»

۱۸ و فرشته خداوند جاد را امر فرمود که به داود بگوید که داود برود و مذبحی به جهت خداوند در خرمنگاه ارنان بیوسی برپا کند. ۱۹ پس داود برحسب کلامی که جاد به اسم خداوند گفت برفت. ۲۰ و ارنان روگردانیده، فرشته را دید و چهار پسرش که همراهش بودند، خویشان را پنهان کردند؛ و ارنان گندم می‌کوبید. ۲۱ و چون داود نزد ارنان آمد، ارنان نگریسته، داود را دید و از خرمنگاه بیرون آمده، به حضور داود رو به زمین افتاد. ۲۲ و داود به ارنان گفت: «جای خرمنگاه را به من بده تا مذبحی به جهت خداوند برپا نمایم؛ آن را به قیمت تمام به من بده تا وبا از قوم رفع شود.» ۲۳ ارنان به داود عرض کرد: «آن را برای خود بگیر و آقایم پادشاه آنچه که در نظرش پسند آید به عمل آورد؛ ببین گاو آن را به جهت قربانی سوختنی و چومها را برای هیزم و گندم را به جهت هدیه آردی دادم و همه را به تو بخشیدم.» ۲۴ اما داود پادشاه به ارنان گفت: «نی، بلکه آن را البته به قیمت تمام از تو خواهم خرید، زیرا که از اموال تو برای خداوند نخواهم گرفت و قربانی سوختنی مجاناً نخواهم گذرانید.» ۲۵ پس داود برای آن موضع ششصد مثقال طلا به وزن، به ارنان داد. ۲۶ و داود در آنجا مذبحی به جهت خداوند بنا نموده، قربانی‌های سوختنی و ذبایح سلامتی گذرانید و نزد خداوند استدعا نمود؛ و او آتشی از آسمان بر مذبح قربانی سوختنی (نازل کرده)، او را مستجاب فرمود. ۲۷ و خداوند فرشته را حکم داد تا شمشیر خود را در غلافش برگردانید.

۲۸ در آن زمان چون داود دید که خداوند او را در خرمنگاه ارنان بیوسی مستجاب فرموده است، در آنجا قربانی‌ها گذرانید. ۲۹ اما مسکن خداوند که موسی در بیابان ساخته بود و مذبح قربانی سوختنی، در آن ایام در مکان بلند جبعون بود. ۳۰ لیکن داود نتوانست نزد آن برود تا از خدا مسألت نماید، چونکه از شمشیر فرشته خداوند می‌ترسید.

## تدارك برای خانه خدا

۲۲ پس داود گفت: «این است خانه یهوه خدا، و این مذبح قربانی سوختنی برای اسرائیل می‌باشد.»

۲ و داود فرمود تا غریبان را که در زمین اسرائیل اند جمع کنند، و سنگتراشان معین کرد تا سنگهای مربع برای بنای خانه خدا بتراشند. ۳ و داود آهن بسیاری به جهت میخها برای لنگه‌های دروازه‌ها و برای وصلها حاضر ساخت و برنج بسیار که نتوان وزن نمود. ۴ و چوب سرو آزاد بیشمار زیرا که اهل صیدون و صور چوب سرو آزاد بسیار برای داود آوردند. ۵ و داود گفت: «پسر من سلیمان صغیر و نازک است و خانه‌ای که برای یهوه باید بنا نمود، می‌بایست بسیار عظیم و نامی و جلیل در تمامی زمینها بشود؛ لهذا حال برایش تهیه می‌بینم.» پس داود قبل از وفاتش تهیه بسیار دید.

۶ پس پسر خود سلیمان را خوانده، او را وصیت نمود که خانه‌ای برای یهوه خدای اسرائیل بنا نماید. ۷ و داود به سلیمان گفت که: «ای پسر من! من اراده داشتم که خانه‌ای برای اسم یهوه خدای خود بنا نمایم. ۸ لیکن کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: چونکه بسیار خون ریخته‌ای و جنگهای عظیم کرده‌ای، پس خانه‌ای برای اسم من بنا نخواهی کرد، چونکه به حضور من بسیار خون بر زمین ریخته‌ای. ۹ اینک پسری برای تو متولد خواهد شد که مرد آرامی خواهد بود زیرا که من او را از جمیع دشمنانش از هر طرف آرامی خواهم بخشید، چونکه اسم او سلیمان خواهد بود و در ایام او اسرائیل را سلامتی و راحت عطا خواهم فرمود. ۱۰ او خانه‌ای برای اسم من بنا خواهد کرد و او پسر من خواهد بود و من پدر او خواهم بود. و گرسی سلطنت او را بر اسرائیل تا ابدالابد پایدار خواهم گردانید. ۱۱ پس حال ای پسر من خداوند همراه تو باد تا کامیاب شوی و خانه یهوه خدای خود را چنانکه درباره تو فرموده است بنا نمایی. ۱۲ اما خداوند تو را فطانت و فهم عطا فرماید و تو را درباره اسرائیل وصیت نماید تا شریعت یهوه خدای خود را نگاه داری. ۱۳ آنگاه اگر متوجه شده، فرایض و احکامی را که خداوند به موسی درباره اسرائیل امر فرموده است، به عمل آوری کامیاب خواهی شد. پس قوی و دلیر باش و ترسان و هراسان مشو. ۱۴ و اینک من در تنگی خود صد هزار وزنه طلا و صد هزار وزنه نقره و برنج و آهن اینقدر زیاده که به وزن نیاید، برای خانه خداوند حاضر کرده‌ام؛ و چوب و سنگ نیز مهیا ساختم و تو بر آنها مزید کن. ۱۵ و نزد تو عمله بسیارند، از سنگبران و سنگتراشان و نجاران و اشخاص هنرمند برای هر صنعتی. ۱۶ طلا و نقره و برنج و آهن بیشمار است پس برخیز و مشغول باش و خداوند همراه تو باد.»

۱۷ و داود تمامی سروران اسرائیل را امر فرمود که پسرش سلیمان را اعانت نمایند. ۱۸ (و گفت): «آیا یهوه خدای شما با شما نیست و آیا شما را از هر طرف آرامی نداده است؟ زیرا ساکنان زمین را به دست من تسلیم کرده است و زمین به حضور خداوند و به حضور قوم او مغلوب شده است. ۱۹ پس حال دلها و جانهای خود را متوجه سازید تا یهوه خدای خویش را بطلبید و برخاسته، مقدس یهوه خدای خویش را بنا نمایید تا تابوت عهد خداوند و آلات مقدس خدا را به خانه‌ای که به جهت اسم یهوه بنا می‌شود در آورید.»

و چون داود پیر و سالخورده شد، پسر خود سلیمان را به پادشاهی اسرائیل

نصب نمود.

۲ و تمامی سروران اسرائیل و کاهنان و لاویان را جمع کرد. ۳ و لاویان از سی ساله و بالاتر شمرده شدند و عدد ایشان برحسب سرهای مردان ایشان، سی و هشت هزار بود. ۴ از ایشان بیست و چهار هزار به جهت نظارت عمل خانه خداوند و شش هزار سروران و داوران بودند. ۵ و چهار هزار دربانان و چهار هزار نفر بودند که خداوند را به آلاتی که به جهت تسبیح ساخته شد، تسبیح خواندند. ۶ و داود ایشان را برحسب پسران لاوی یعنی جرثون و قهات و مراری به فرقه‌ها تقسیم نمود.

۷ از جرثونیان لعدان و شمعی. ۸ پسران لعدان اول یحییئیل و زیتام و سومین یوئیل. ۹ پسران شمعی شلومیت و حزییئیل و هاران سه نفر. اینان رؤسای خاندانهای آبی لعدان بودند. ۱۰ و پسران شمعی یحت و زینا و یعوش و بریعه. اینان چهار پسر شمعی بودند. ۱۱ و یحت اولین و زیزا دومین و یعوش و بریعه پسران بسیار نداشتند؛ از این سبب يك خاندان آبا از ایشان شمرده شد.

۱۲ پسران قهات عمرام و یصهار و حبرون و عزییئیل چهار نفر. ۱۳ پسران عمرام هارون و موسی و هارون ممتاز شد تا او و پسرانش قدس الاقداس را پیوسته تقدیس نمایند و به حضور خداوند بخور بسوزانند و او را خدمت نمایند و به اسم او همیشه اوقات برکت دهند. ۱۴ و پسران موسی مرد خدا با سبط لاوی نامیده شدند. ۱۵ پسران موسی جرثوم و العازار. ۱۶ از پسران جرثوم شئوئیل رئیس بود. ۱۷ و از پسران العازار رحبیا رئیس بود و العازار را پسر دیگر نبود؛ اما پسران رحبیا بسیار زیاد بودند. ۱۸ از پسران یصهار شلومیت رئیس بود. ۱۹ پسران حبرون، اولین یریا و دومین امریا و سومین یحزیئیل و چهارمین یقمعام. ۲۰ پسران عزییئیل اولین میکا و دومین یثیا.

۲۱ پسران مراری محلی و موشی و پسران محلی العازار و قیس. ۲۲ و العازار مرد و او را پسری نبود؛ لیکن دختران داشت و برادران ایشان پسران قیس ایشان را به زنی گرفتند. ۲۳ پسران موشی محلی و عادر و یریموت سه نفر بودند.

۲۴ اینان پسران لاوی موافق خاندانهای آبی خود و رؤسای خاندانهای آبا از آنانی که شمرده شدند برحسب شماره اسمای سرهای خود بودند که از بیست ساله و بالاتر در عمل خدمت خانه خداوند می‌پرداختند. ۲۵ زیرا که داود گفت: «یهوه خدای اسرائیل قوم خویش را آرامی داده است و او در اورشلیم تا به ابد ساکن می‌باشد. ۲۶ و نیز لاویان را دیگر لازم نیست که مسکن و همه اسباب خدمت را بردارند.» ۲۷ لهذا برحسب فرمان آخر داود پسران لاوی از بیست ساله و بالاتر شمرده شدند. ۲۸ زیرا که منصب ایشان به طرف بنی‌هارون بود تا خانه خداوند را خدمت نمایند، در صحن‌ها و حجره‌ها و برای تطهیر همه چیزهای مقدس و عمل خدمت خانه خدا. ۲۹ و بر نان تقدیمه و آرد نرم به جهت هدیه آردی و قرصهای فطیر و آنچه بر ساج پخته می‌شود و ربیکه‌ها و بر همه کیلها و وزنها. ۳۰ و تا هر صبح برای تسبیح و حمد خداوند حاضر شوند و همچنین هر شام. ۳۱ و به جهت گذراندن همه قربانی‌های سوختنی برای خداوند در هر روز سبت و غره‌ها و عیدها برحسب شماره و بر وفق قانون آنها دائماً به حضور

خداوند . ۳۲ و برای نگاه داشتن وظیفه خیمه اجتماع و وظیفه قدس و وظیفه برادران خود بنی‌هارون در خدمت خانه خداوند .

## فرقه‌های کهنات

۲۴

و این است فرقه‌های بنی‌هارون: پسران هارون، ناداب و آبیهو و اعزاز و ایتمار . ۲ و ناداب و آبیهو قبل از پدر خود مُردند و پسری نداشتند، پس اعزاز و ایتمار به کهنات پرداختند . ۳ و داود با صادق که از بنی‌اعزاز بود و آخیمک که از بنی‌ایتمار بود، ایشان را برحسب وکالت ایشان بر خدمت ایشان تقسیم کردند . ۴ و از پسران اعزاز مردانی که قابل ریاست بودند، زیاده از بنی‌ایتمار یافت شدند . پس شانزده رئیس خاندان آبا از بنی‌اعزاز و هشت رئیس خاندان آبا از بنی‌ایتمار معین کردند . ۵ پس اینان با آنان به حسب قرعه معین شدند زیرا که رؤسای قدس و رؤسای خانه خدا هم از بنی‌اعزاز و هم از بنی‌ایتمار بودند . ۶ و شمعی ابن نثنئیل کاتب که از بنی‌لاوی بود، اسمهای ایشان را به حضور پادشاه و سروران و صادق کاهن و آخیمک بن ابیاتار و رؤسای خاندان آبا کاهنان و لاویان نوشت و یک خاندان آبا به جهت اعزاز گرفته شد و یک به جهت ایتمار گرفته شد .

۷ و قرعه اول برای یهویاریب بیرون آمد و دوم برای یدعیآ، ۸ و سوم برای حاریم و چهارم برای سعوریم، ۹ و پنجم برای ملکیه و ششم برای میامین، ۱۰ و هفتم برای هفوص و هشتم برای آبیآ، ۱۱ و نهم برای یشوع و دهم برای شگئیآ، ۱۲ و یازدهم برای آلیاشیب و دوازدهم برای یاقیم، ۱۳ و سیزدهم برای حقه و چهاردهم برای یشبآب، ۱۴ و پانزدهم برای بلجه و شانزدهم برای امیر، ۱۵ و هفدهم برای حیزیر و هجدهم برای هفصیص، ۱۶ و نوزدهم برای قتحیا و بیستم برای یحزقیئیل، ۱۷ و بیست و یکم برای یاکین و بیست و دوم برای جامول، ۱۸ و بیست و سوم برای دلایا و بیست و چهارم برای معزیآ . ۱۹ پس این است وظیفه‌ها و خدمت‌های ایشان به جهت داخل شدن در خانه خداوند برحسب قانونی که به واسطه پدر ایشان هارون موافق فرمان یهوه خدای اسرائیل به ایشان داده شد .

## بقیه لاویان

۲۰ و اما درباره بقیه بنی‌لاوی، از بنی‌عمرام شوبائیل و از بنی‌شوبائیل یحدیا . ۲۱ و اما رحبیا از بنی‌رحبیا یشیای رئیس، ۲۲ و از بنی‌یصهار شلوموت و از بنی‌شلوموت یحت . ۲۳ و از بنی‌حبرون یریا و دومین امریا و سومین یحزئییل و چهارمین یقمعام . ۲۴ از بنی‌عزئییل میکا و از بنی‌میکا شامیر . ۲۵ و برادر میکا یشیا و از بنی‌یشیا زکریآ . ۲۶ و از بنی‌مراری محلی و موشی و پسر یعزیا بنو . ۲۷ و از بنی‌مراری پسران یعزیا بنو و شوهم و زگور و عبری . ۲۸ و پسر محلی اعزاز و او را فرزندی نبود . ۲۹ و اما قیس، از بنی‌قیس یرحمیئیل، ۳۰ و از بنی‌موشی محلی و عادر و یریموت . اینان برحسب خاندان آبا ایشان بنی‌لاوی می‌باشند . ۳۱ ایشان نیز مثل برادران خود بنی‌هارون به حضور داود پادشاه و صادق و آخیمک و رؤسای آبا گهته و لاویان قرعه انداختند یعنی خاندانهای آبا برادر بزرگتر برابر خاندانهای کوچکتر او بودند .

و داود و سرداران لشکر بعضی از پسران آساف و هیمان و یُدوئون را به جهت خدمت جدا ساختند تا با بربط و عود و سنج نبوت نمایند؛ و شماره آنانی که برحسب خدمت خود به کار می‌پرداختند این است: ۲ و اما از بنی‌آساف، زَگور و یوسف و نَنئیا و اَشْرئیلَه پسران آساف زیر حکم آساف بودند که برحسب فرمان پادشاه نبوت می‌نمود. ۳ و از یُدوئون، پسران یُدوئون جَدلّیا و صَری و اَشعیا و حَشَبیا و مَنئیا شش نفر زیر حکم پدر خویش یُدوئون با بربطها بودند که با حمد و تسبیح *خداوند* نبوت می‌نمود. ۴ و از هیمان، پسران هیمان بُقیّا و مَنئیا و عَزْرئیل و شُبئیل و یریموت و حَنئیا و حَنانی و اِلیّاَه و جدلّتی و رُومَمّتی عَزَر و یشَبَقاشَه و مَلوُتی و هُوَتیر و مَحزّیوت. ۵ جمیع اینها پسران هیمان بودند که در کلام خدا به جهت برافراشتن بوق رایبی پادشاه بود. و خدا به هیمان چهارده پسر و سه دختر داد. ۶ جمیع اینها زیر فرمان پدران خویش بودند تا در خانه *خداوند* با سنج و عود و بربط بسرایند و زیر دست پادشاه و آساف و یُدوئون و هیمان به خدمت خانه خدا پردازند. ۷ و شماره ایشان با برادران ایشان که سراییدن را به جهت *خداوند* آموخته بودند، یعنی همه کسان ماهر دویست و هشتاد و هشت نفر بودند. ۸ و برای وظیفه‌های خود کوچک با بزرگ و معلم با تلمیذ علی‌السویه قرعه انداختند.

۹ پس قرعه اول بنی‌آساف برای یوسف بیرون آمد. و قرعه دوم برای جَدلّیا و او و برادرانش و پسرانش دوازده نفر بودند. ۱۰ و سوم برای زَگور و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۱ و چهارم برای یَصْری و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۲ و پنجم برای نَنئیا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۳ و ششم برای بُقیّا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۴ و هفتم برای یشْرئیلَه و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۵ و هشتم برای اِشعیا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۶ و نهم برای مَنئیا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۷ و دهم برای شِمعی و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۸ و یازدهم برای عَزْرئیل و پسران و برادران او دوازده نفر. ۱۹ و دوازدهم برای حَشَبیا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۰ و سیزدهم برای شُبائیل و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۱ و چهاردهم برای مَنئیا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۲ و پانزدهم برای یریموت و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۳ و شانزدهم برای حَنئیا و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۴ و هفدهم برای یشَبَقاشَه و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۵ و هجدهم برای حَنانی و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۶ و نوزدهم برای مَلوُتی و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۷ و بیستم برای اِلیّاَه و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۸ و بیست و یکم برای هُوَتیر و پسران و برادران او دوازده نفر. ۲۹ و بیست و دوم برای جَدلّتی و پسران و برادران او دوازده نفر. ۳۰ و بیست و سوم برای مَحزّیوت و پسران و برادران او دوازده نفر. ۳۱ و بیست و چهارم برای رُومَمّتی عَزَر و پسران و برادران او دوازده نفر.

## فرقه‌های دربانان

۲۶

و اما فرقه‌های دربانان: پس از قُورِحیانِ مَشَلْمِیا ابنِ قُوری که از بنی‌آساف بود. ۲ و مَشَلْمِیا را پسران بود. نخست زاده‌اش زکریا و دوم یدیعئیل و سوم زَبَدِیا و چهارم یثنئیل. ۳ و پنجم عیلام و ششم یهُوحانان و هفتم اَلِیهُو عینای. ۴ و عُوبید اَدُوم را پسران بود: نخست زاده‌اش، شَمَعِیا و دوم یهُوزاباد و سوم یوآخ و چهارم ساکار و پنجم نَنئیل. ۵ و ششم عَمَّیئیل و هفتم یساکار و هشتم فَعَلتای زیرا خدا او را برکت داده بود. ۶ و برای پسرش شَمَعِیا پسرانی که بر خاندان آبای خویش تسلط یافتند، زاییده شدند زیرا که ایشان مردان قوی شجاع بودند. ۷ پسران شَمَعِیا عُنئی و رَفائیل و عُوبید و اَلزاباد که برادران او مردان شجاع بودند و اَلیهُو و سَمَکِیا. ۸ جمیع اینها از بنی‌عُوبید اَدُوم بودند و ایشان با پسران و برادران ایشان در قوتِ خدمت‌مردان قابل بودند یعنی شصت و دو نفر (از اولاد) عوبید اَدُوم. ۹ و مَشَلْمِیا هجده نفر مردان قابل از پسران و برادران خود داشت. ۱۰ و حُوسه که از بنی‌مَراری بود پسران داشت که شِمَری رئیس ایشان بود زیرا اگر چه نخست‌زاده نبود، پدرش او را رئیس ساخت. ۱۱ و دوم حَلقیبا و سوم طَبلیبا و چهارم زکریا و جمیع پسران و برادران حُوسه سیزده نفر بودند.

۱۲ و به اینان یعنی به رؤسای ایشان فرقه‌های دربانان داده شد و وظیفه‌های ایشان مثل برادران ایشان بود تا در خانه خد/وند خدمت نمایند. ۱۳ و ایشان از كوچك و بزرگ برحسب خاندان آبای خویش برای هر دروازه قرعه انداختند. ۱۴ و قرعه شرقی به شَلْمِیا افتاد و بعد از او برای پسرش زکریا که مُشیر دانا بود، قرعه انداختند و قرعه او به سمت شمال بیرون آمد. ۱۵ و برای عُوبید اَدُوم (قرعه) جنوبی و برای پسرانش (قرعه) بیت‌المال. ۱۶ و برای شُقیم و حُوسه قرعه مغربی نزد دروازه شَلکت در جاده‌ای که سر بالا می‌رفت و محرس این مقابل محرس آن بود. ۱۷ و به طرف شرقی شش نفر از لاویان بودند و به طرف شمال هر روزه چهار نفر و به طرف جنوب هر روزه چهار نفر و نزد بیت‌المال جفت‌جفت. ۱۸ و به طرف غربی قَرُوار برای جاده سربالا چهار نفر و برای قَرُوار دو نفر. ۱۹ اینها فرقه‌های دربانان از بنی‌قُورِح و از بنی‌مَراری بودند

## خزانه‌داران و بقیه مقامات

۲۰ و اما از لاویان اخیاب بر خزانه خانه خدا و بر خزانه موقوفات بود. ۲۱ و اما بنی‌لادان: از پسران لادان جَرشونی رؤسای خاندان آبای لادان یحییئیلی جَرشونی. ۲۲ پسران یحییئیلی زیتام و برادرش یوئیل بر خزانه خانه خد/وند بودند. ۲۳ از عَمَرامیان و از یصهاریان و از حَبْرُونیان و از عَزِیئیلیان. ۲۴ و شَبُئیل بن جَرشوم بن موسی ناظر خزانه‌ها بود. ۲۵ و از برادرانش بنی‌العازار، پسرش رَحَبِیا و پسرش اَشعِیا و پسرش یورام و پسرش زگری و پسرش شَلومیت. ۲۶ این شَلومیت و برادرانش بر جمیع خزائن موقوفاتی که داود پادشاه وقف کرده بود و رؤسای آبا و رؤسای هزاره‌ها و سده‌ها و سرداران لشکر بودند. ۲۷ از جنگها و غنیمت‌ها وقف کردند تا خانه خد/وند را تعمیر نمایند. ۲۸ و هر آنچه سموئیل رایبی و شاول بن قیس و اَبنیر بن نیر و یوآب بن

صَرُويِه وقف کرده بودند و هر چه هرکس وقف کرده بود زیر دست شلومیت و برادرانش بود.

۲۹ و از یصهاریان گنّیا و پسرانش برای اعمال خارجه اسرائیل صاحبان منصب و داوران بودند. ۳۰ و از حَبْرُونیان حَسْبیا و برادرانش هزار و هفتصد نفر مردان شجاع به آن طرف اَرْدُن به سمت مغرب به جهت هر کار خد/وند و به جهت خدمت پادشاه بر اسرائیل گماشته شده بودند. ۳۱ از حَبْرُونیان: برحسب انساب آبای ایشان یریا رئیس حَبْرُونیان بود و در سال چهلم سلطنت داود طلبیده شدند و در میان ایشان مردان شجاع در یعزیر جلعاد یافت شدند. ۳۲ و از برادرانش دو هزار و هفتصد مرد شجاع و رئیس آبا بودند. پس داود پادشاه ایشان را بر رؤبیینان و جادیان و نصف سبط مَنّسی برای همه امور خدا و امور پادشاه گماشت.

## رؤسای لشکر

۲۷ و از بنی اسرائیل برحسب شماره ایشان از رؤسای آبا و رؤسای هزاره و صده و صاحبان منصب که پادشاه را در همه امور فرقه‌های داخله و خارجه ماه به ماه در همه ماههای سال خدمت می‌کردند، هر فرقه بیست و چهار هزار نفر بودند.

۲ و بر فرقه اول برای ماه اول یثبعم بن زبَدیئیل بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند. ۳ او از پسران فارص رئیس جمیع رؤسای لشکر، به جهت ماه اول بود. ۴ و بر فرقه ماه دوم دودای اَخوخی و از فرقه او مفلوت رئیس بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند. ۵ و رئیس لشکر سوم برای ماه سوم بنایا ابن یهویداع کاهن بزرگ بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند. ۶ این همان بنایا است که در میان آن سی نفر بزرگ بود و بر آن سی نفر برتری داشت و از فرقه او پسرش عمیزاباد بود. ۷ و رئیس چهارم برای ماه چهارم عَسائیل برادر یوآب و بعد از او برادرش زبَدیا بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند. ۸ و رئیس پنجم برای ماه پنجم شَمُهوت یزراحی بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند. ۹ و رئیس ششم برای ماه ششم عیرا ابن عقیش نُقوعی بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند. ۱۰ و رئیس هفتم برای ماه هفتم حَالص قَلونی از بنی افرایم بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند. ۱۱ و رئیس هشتم برای ماه هشتم سِبکای حوشاتی از زارحیان بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند. ۱۲ و رئیس نهم برای ماه نهم ابیعزر عَناتوتی از بنی بنیامین بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند. ۱۳ و رئیس دهم برای ماه دهم مَهْرای نُطوفاتی از زارحیان بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند. ۱۴ و رئیس یازدهم برای ماه یازدهم بنایای فرعاتونی از بنی افرایم بود و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند. ۱۵ و رئیس دوازدهم برای ماه دوازدهم خَلدای نُطوفاتی از بنی عثیئیل و در فرقه او بیست و چهار هزار نفر بودند.

## رؤسای اسباط

۱۶ و اما رؤسای اسباط بنی اسرائیل: رئیس رؤبیینان العازار بن زگری، و رئیس شمعونیان شَفطیا ابن معگه. ۱۷ و رئیس لاویان عَشْبیا ابن قموئیل و رئیس بنی هارون



صادوق. ۱۸ و رئیس یهودا الیهو از برادران داود و رئیس یساکار عُمَری ابن میکائیل. ۱۹ و رئیس زبولون یشمعیابن عبُدیا و رئیس نفتالی یریموت بن عزریئیل. ۲۰ و رئیس بنی افرایم هوشع بن عزریا و رئیس نصف سبط منسی یوئیل بن قدایا. ۲۱ و رئیس نصف سبط منسی در جلعاد یُدو ابن زکریا و رئیس بنیامین یعیسیئیل بن اَبنیر. ۲۲ و رئیس دان عزریئیل بن یروحام. اینها رؤسای اسباط اسرائیل بودند. ۲۳ و داود شماره کسانی که بیست ساله و کمتر بودند، نگرفت زیرا خداوند و عده داده بود که اسرائیل را مثل ستارگان آسمان کثیر گرداند. ۲۴ و یوآب بن صرُویه آغاز شمردن نمود، اما به اتمام نرسانید و از این جهت غضب بر اسرائیل وارد شد و شماره آنها در دفتر اخبار ایام پادشاه ثبت نشد.

## ناظران پادشاه

۲۵ و ناظر انبارهای پادشاه عزموت بن عدیئیل بود و ناظر انبارهای مزرعه‌ها که در شهرها و در دهات و در قلعه‌ها بود، یهوناتان بن عزریا بود. ۲۶ و ناظر عملجات مزرعه‌ها که کار زمین می‌کردند، عزری ابن گلوب بود. ۲۷ و ناظر تاکستانها شیمعی راماتی بود و ناظر محصول تاکستانها و انبارهای شراب زبیدی شیماتی بود. ۲۸ و ناظر درختان زیتون و افراغ که در همواری بود بعل حانان جدیری بود و ناظر انبارهای روغن یوآش بود. ۲۹ و ناظر رمه‌هایی که در شارون می‌چریدند شطرای شارونی بود. و ناظر رمه‌هایی که در وادیها بودند شافاط بن عدلای بود. ۳۰ و ناظر شتران عبویل اسمعیلی بود و ناظر الاغها یحدیای میرونوتی بود. ۳۱ و ناظر گله‌ها یازیز هاجری بود. جمیع اینان ناظران اندوخته‌های داود پادشاه بودند.

۳۲ و یهوناتان عموی داود مشیر و مرد دانا و فقیه بود و یحییئیل بن حکمونی همراه پسران پادشاه بود. ۳۳ اخیئوئل مشیر پادشاه و حوشای آرکی دوست پادشاه بود. ۳۴ و بعد از اخیئوئل یهویداع بن بنایا و ابیاتار بودند و سردار لشکر پادشاه یوآب بود.

## طرح داود برای خانه خدا

۲۸

و داود جمیع رؤسای اسرائیل را از رؤسای اسباط و رؤسای فرقه‌هایی که پادشاه را خدمت می‌کردند و رؤسای هزاره و رؤسای صده و ناظران همه اندوخته‌ها و اموال پادشاه و پسرانش را با خواجه‌سرایان و شجاعان و جمیع مردان جنگی در اورشلیم جمع کرد. ۲ پس داود پادشاه برپا ایستاده، گفت: «ای برادرانم و ای قوم من! مرا بشنوید! من اراده داشتم خانه‌ای که آرامگاه تابوت عهد خداوند و پای‌انداز پایهای خدای ما باشد بنا نمایم، و برای بنای آن تدارک دیده بودم. ۳ لیکن خدا مرا گفت: تو خانه‌ای به جهت اسم من بنا نخواهی نمود، زیرا مرد جنگی هستی و خون ریخته‌ای. ۴ لیکن یهوه خدای اسرائیل مرا از تمامی خاندان پدرم برگزیده است که بر اسرائیل تا به ابد پادشاه بشوم، زیرا که یهودا را برای ریاست اختیار کرد و از خاندان یهودا خاندان پدر مرا و از فرزندان پدرم مرا پسند کرد تا مرا بر تمامی اسرائیل به پادشاهی نصب نماید. ۵ و از جمیع پسران من (زیرا خداوند پسران بسیار به من داده است)، پسر سلیمان را برگزیده است تا بر کرسی سلطنت خداوند بر اسرائیل بنشیند. ۶ و به من گفت: پسر تو سلیمان،

او است که خانه مرا و صحن‌های مرا بنا خواهد نمود، زیرا که او را برگزیده‌ام تا پسر من باشد و من پدر او خواهم بود. ۷ و اگر او به جهت بجا آوردن فرایض و احکام من مثل امروز ثابت بماند، آنگاه سلطنت او را تا به ابد استوار خواهم گردانید. ۸ پس الان در نظر تمامی اسرائیل که جماعت *خدوند* هستند و به سمع خدای ما متوجه شده، تمامی اوامر یهوه خدای خود را بطلیبید تا این زمین نیکو را به تصرف آورده، آن را بعد از خودتان به پسران خویش تا به ابد به ارثیت واگذارید.

۹ «و تو ای پسر من سلیمان خدای پدر خود را بشناس و او را به دل کامل و به ارادت تمام عبادت نما زیرا *خدوند* همه دلها را تفتیش می‌نماید و هر تصور فکرها را ادراک می‌کند؛ و اگر او را طلب نمایی، او را خواهی یافت؛ اما اگر او را ترک کنی، تو را تا به ابد دور خواهد انداخت. ۱۰ حال با حذر باش زیرا *خدوند* تو را برگزیده است تا خانه‌ای به جهت مقدّس او بنا نمایی. پس قوی شده، مشغول باش.»

۱۱ و داود به پسر خود سلیمان نمونه رواق و خانه‌ها و خزاین و بالاخانه‌ها و حجره‌های اندرونی آن و خانه کرسی رحمت، ۱۲ و نمونه هر آنچه را که از روح به او داده شده بود، برای صحن‌های خانه *خدوند* و برای همه حجره‌های گرداگردش و برای خزاین خانه خدا و خزاین موقوفات داد. ۱۳ و برای فرقه‌های کاهنان و لایوان و برای تمامی کار خدمت خانه *خدوند* و برای همه اسباب خدمت خانه *خدوند*. ۱۴ و از طلا به وزن برای همه آلات طلا به جهت هر نوع خدمتی و از نقره به وزن برای همه آلات نقره به جهت هر نوع خدمتی. ۱۵ و طلا را به وزن به جهت شمعدانهای طلا و چراغهای آنها به جهت هر شمعدان و چراغهایش، آن را به وزن داد و برای شمعدانهای نقره نیز نقره را به وزن به جهت هر چراغدان موافق کار هر شمعدان و چراغهای آن. ۱۶ و طلا را به وزن به جهت میزهای نان تقدّمه برای هر میز علیحده و نقره را برای میزهای نقره. ۱۷ و زر خالص را برای چنگالها و کاسه‌ها و پیاله‌ها و به جهت طاسهای طلا موافق وزن هر طاس و به جهت طاسهای نقره موافق وزن هر طاس. ۱۸ و طلای مصقّی را به وزن به جهت مذبح بخور و طلا را به جهت نمونه مرکب کروبیان که‌بالهای خود را پهن کرده، تابوت عهد *خدوند* را می‌پوشانیدند.

۱۹ (و داود گفت): «*خدوند* این همه را یعنی تمامی کارهای این نمونه را از نوشته دست خود که بر من بود به من فهمانید.»

۲۰ و داود به پسر خود سلیمان گفت: «قوی و دلیر باش و مشغول شو و ترسان و هراسان مباش، زیرا یهوه خدا که خدای من می‌باشی، با تو است و تا همه کار خدمت خانه *خدوند* تمام نشود، تو را و نخواهد گذاشت و تو را ترک نخواهد نمود. ۲۱ اینک فرقه‌های کاهنان و لایوان برای تمام خدمت خانه خدا (حاضرند) و برای هر گونه عمل همه کسان دلگرم که برای هر صنعتی مهارت دارند، با تو هستند و سروران و تمامی قوم مطیع کل اوامر تو می‌باشند.»

## هدایا برای خانه خدا

۲۹

و داود پادشاه به تمامی جماعت گفت: «پسرم سلیمان که خدا او را به‌تنهایی برای خود برگزیده، جوان و لطیف است و این مهمّ عظیمی است زیرا که هیکل به جهت انسان نیست بلکه برای یهوه خدا است. ۲ و من به جهت خانه خدای خود به تمامی قوتم تدارک

دیده‌ام، طلا را به جهت چیزهای طلایی و نقره را برای چیزهای نقره‌ای و برنج را به جهت چیزهای برنجین و آهن را برای چیزهای آهنین و چوب را به جهت چیزهای چوبین و سنگ جزع و سنگهای ترصیع و سنگهای سیاه و سنگهای رنگارنگ و هر قسم سنگ گرانبها و سنگ مرمر فراوان. ۳ و نیز چونکه به خانه خدای خود رغبت داشتم و طلا و نقره از اموال خاص خود داشتم، آن را علاوه بر هر آنچه به جهت خانه قدس تدارك دیدم برای خانه خدای خود دادم. ۴ یعنی سه هزار وزنه طلا از طلای اوفیر و هفت هزار وزنه نقره خالص به جهت پوشانیدن دیوارهای خانه‌ها. ۵ طلا را به جهت چیزهای طلا و نقره را به جهت چیزهای نقره و به جهت تمامی کاری که به دست صنعتگران ساخته می‌شود. پس کیست که به خوشی دل خویشتن را امروز برای خداوند وقف نماید؟»

۶ آنگاه رؤسای خاندانهای آبا و رؤسای اسباط اسرائیل و سرداران هزاره و صده با ناظران کارهای پادشاه به خوشی دل هدایا آوردند. ۷ و به جهت خدمت خانه خدا پنج هزار وزنه و ده هزار درهم طلا و ده هزار وزنه نقره و هجده هزار وزنه برنج و صد هزار وزنه آهن دادند. ۸ و هر کس که سنگهای گرانبها نزد او یافت شد، آنها را به خزانه خانه خداوند به دست یحییئیل جرثونی داد. ۹ آنگاه قوم از آن رو که به خوشی دل هدیه آورده بودند شاد شدند زیرا به دل کامل هدایای تبرّعی برای خداوند آوردند و داود پادشاه نیز بسیار شاد و مسرور شد.

۱۰ و داود به حضور تمامی جماعت خداوند را متبارك خواند و داود گفت: «ای یهوه خدای پدر ما اسرائیل تو از ازل تا به ابد متبارك هستی. ۱۱ و ای خداوند عظمت و جبروت و جلال و قوت و کبریا از آن تو است زیرا هر چه در آسمان و زمین است از آن تو می‌باشد. و ای خداوند ملکوت از آن تو است و تو بر همه سر و متعال هستی. ۱۲ و دولت و جلال از تو می‌آید و تو بر همه حاکمی، و کبریا و جبروت در دست تو است و عظمت دادن و قوت بخشیدن به همه کس در دست تو است. ۱۳ و الان ای خدای ما تو را حمد می‌گوییم و اسم مجید تو را تسبیح می‌خوانیم.

۱۴ لیکن من کیستم و قوم من کیستند که قابلیت داشته باشیم که به خوشی دل اینطور هدایا بیاوریم؟ زیرا که همه این چیزها از آن تو است و از دست تو به تو داده‌ایم. ۱۵ زیرا که ما مثل همه اجداد خود به حضور تو غریب و نزیل می‌باشیم و ایام ما بر زمین مثل سایه است و هیچ دوام ندارد. ۱۶ ای یهوه خدای ما تمامی این اموال که به جهت ساختن خانه برای اسم قدوس تو مهیا ساخته‌ایم، از دست تو و تمامی آن از آن تو می‌باشد. ۱۷ و می‌دانم ای خدایم که تو دلها را می‌آزمایی و استقامت را دوست می‌داری و من به استقامت دل خود همه این چیزها را به خوشی دادم و الان قوم تو را که اینجا حاضرند دیدم که به شادمانی و خوشی دل هدایا برای تو آوردند. ۱۸ ای یهوه خدای پدران ما ابراهیم و اسحاق و اسرائیل این را همیشه در تصور فکرهای دل قوم خود نگاه دار و دلهای ایشان را به سوی خود ثابت گردان. ۱۹ و به پسر من سلیمان دل کامل عطا فرما تا او امر و شهادت و فرایض تو را نگاه دارد، و جمیع این کارها را به عمل آورد و هیکل را که من برای آن تدارك دیدم بنا نماید.»

**سلطنت سلیمان**

۲۰ پس داود به تمامی جماعت گفت: «یهوه خدای خود را متبارک خوانید.» و تمامی جماعت یهوه خدای پدران خویش را متبارک خوانده، به رو افتاده، خد/وند را سجده کردند و پادشاه را تعظیم نمودند. ۲۱ و در فردای آن روز برای خد/وند ذبایح ذبح کردند و قربانی‌های سوختنی برای خد/وند گذرانیدند یعنی هزار گاو و هزار قوچ و هزار بره با هدایای ریختنی و ذبایح بسیار به جهت تمامی اسرائیل. ۲۲ و در آن روز به حضور خد/وند به شادی عظیم اکل و شرب نمودند، و سلیمان پسر داود را دوباره به پادشاهی نصب نموده، او را به حضور خد/وند به ریاست و صادق را به کهانت مسح نمودند. ۲۳ پس سلیمان بر کرسی خد/وند نشست، به جای پدرش داود پادشاهی کرد و کامیاب شد و تمامی اسرائیل او را اطاعت کردند. ۲۴ و جمیع سروران و شجاعان و همه پسران داود پادشاه نیز مطیع سلیمان پادشاه شدند. ۲۵ و خد/وند سلیمان را در نظر تمام اسرائیل بسیار بزرگ گردانید و او را جلالی شاهانه داد که به هیچ پادشاه اسرائیل قبل از او داده نشده بود.

۲۶ پس داود بنیسی بر تمامی اسرائیل سلطنت نمود. ۲۷ و مدت سلطنت او بر اسرائیل چهل سال بود، اما در حَبْرُون هفت سال سلطنت کرد و در اورشلیم سی و سه سال پادشاهی کرد. ۲۸ و در پیری نیکو از عمر و دولت و حشمت سیر شده، وفات نمود و پسرش سلیمان به جایش پادشاه شد. ۲۹ و اینک امور اول و آخر داود پادشاه در سفر اخبار سموئیل رایی و اخبار ناتان نبی و اخبار جاد رایی، ۳۰ با تمامی سلطنت و جبروت او و روزگاری که بر وی و بر اسرائیل و بر جمیع ممالک آن اراضی گذشت، مکتوب است.